

معبد آناهیتا کنگاور

(متن به همایش یک روزه کنگاور، سال ۱۳۷۷، همراه با تحشیه متن)

محمد نهریار

پیشگفتار:

استقرار و مشخصات بستر محیط طبیعی برای گونه‌های مختلف اقامت، طی طرح‌هایی از پیش تعریف شده، مقرر شده و در گرو مناسبات فرعی جامعه امروزی طراحی شده است؛ شاید آزادی عمل در انتخاب گوشه مناسب طبیعت نسبت به گذشته و هنگام ساخت بنای کنگاور، اهمیت و جایگاه خود را از دست داده باشد. از این رو شایسته یادآوری است که: در گذشته مردمی که در دامان طبیعت می‌زیستند و با هر گوشه‌ای از قلمرو خویش و فراتر از آن آشنایی داشتند؛ با انتخاب فضایی مناسب از محیط طبیعی و گونه استقرار مطلوب در آن مسلط بودند و با شناختی محسوس و همه جانبه‌ای که از هر گوشه از قلمرو خود داشتند، از درون طبیعت به شهر رسیدند، ولی هم شهر و هم بیرون شهر و همه سرزمین خود را می‌شناختند.

در مقایسه با زندگی شهروندان امروزی که حتی از چشم اندازه‌های طبیعی پیرامون شهرهای مقرر خود غافل مانده‌اند، داشتن تصویری از آزادی عمل در انتخاب گوشه مناسبی از طبیعت برای بستر فضای معماری دلخواه خود، آن هم به دور از دست و پاگیری‌های قوانین ثبت و املاک یا تئین‌نامه‌های اجرایی متکی بر ضوابط شناور و ناسازگار با اقلیم، شگفت‌انگیز و باور نکردنی به نظر می‌رسد.

با نگاهی به محوطه‌های باستانی نزدیک به کنگاور مانند گوردخمه‌های صحنه، یا محوطه‌های دور از آن همچون: گور دخمه‌های نقش رستم و تخت جمشید؛ (دژ) تخت رستم یا ارک شهر پاسارگاد؛ آتشگاه اصفهان، یادمان‌های ایذه (اشکفت سلمان)، زیویه، معبد مانایی فرزان کوه زندان سلیمان،

نوشته‌های پیش رو، متن منتقدانه‌ای است از یکی از سخنرانی‌های همایش یک روزه کنگاور، در روز شانزدهم ماه سال ۱۳۷۷ برگزار شد. هدف این همایش، بحث و گفتگو و ایجاد هماهنگی و تفاهم در پیرامون نظرات کنونی بود که تا کنون هم در متون تاریخی و هم در گزارش‌های پست‌مدرن‌شناسی نسبت به این بنای تاریخی ابراز شده است. برخی از بنا را معبد آرتیمیس یا معبد آنائیتس، گروهی آن را کاخ شامی، گروهی ساسانی و برخی آن را قصراللموص دانسته‌اند و برخی نیز در انتظار به دست آوردن آگاهی‌های بیشتری مانده‌اند.

این همایش در واقع میزگردی بی‌طرفانه برای تبادل نظر میان پژوهشگرانی که در طول سی سال گذشته، دست اندر کار باستان‌شناسی کنگاور بوده‌اند و به علت نبود اطلاعات و شدت آسیب‌هایی که از گذشته‌های دور تا کنون به این بنا وارد آمده است، به وحدت نظری قطعی نرسیده‌اند.

انتخاب گوشه‌ای از طبیعت که بنا را متناسب با انجام فعلی همچون مکتب یا حرکت برای رفع نیازهای باستانی یا روحانی انسان باشد، آغازین مرحله بروز رفتار شهروندی انسان در طبیعت بوده است، از این جمله ساخت و ساز و بستر مناسبی از طبیعت است که با کارآئی آئینی یا رزینی نامنتهی بود که مورد توجه قرار می‌گرفت و برحسب حضور و غیاب مصالح ساختمانی مورد نیاز در نزدیکی آن، سرانجام به نهایت در فضای بستر طبیعی زیستی منتهی می‌گردید.

امروزه رفع نیازهای روانی، رفتار شهروندی بستی شهروندان در بستر زیست طبیعی، نادیده انگاشته شدن ویژگی‌های رابطه

سخت سلیمان، مسجد سلیمان، قلعه دختر فیروزآباد، کاخ اردشیر (فیروز آباد)، شهر داربگرد، ارگ بم و...

حوزه جغرافیایی و بستر طبیعی هر یک از بناها، بسته به زمان پیدایش، اندازه‌ها و کاربری هر یک، هر چند هم ناهم‌اند و گونه‌گون هستند با این حال، پیوندی ناگسستنی میان معماری بنا، محدوده عرصه و عوارض حریم بستر زمینی بنا به چشم می‌خورد. آن چنان که معماری عرصه با طبیعت بستر و حریم کارایی آن یا مشخصات چشم اندازه‌های محیط طبیعی در هم آمیخته، مجموعاً پیکره واحد تفکیک ناپذیری از صنعت و طبیعت پدید آورده‌اند که نشان دهنده تبلوری از میزان بهره‌وری اقتصادی از طبیعت پیرامون بنا و باورهای آئینی غالب و حاکم بر جامعه، در هنگام ساخت بنا نیز هست و توصیف هر یک مستلزم شرح دیگری است؛ گاه شگفت‌آفرینی طبیعی گوشه منتخب بستر بنا به مراتب روحانی‌تر و شکوهمندتر از تمهیدات معمارانه و ساخت و سازهای سترگ انسانی برای حرمت گذاشتن به مکان نیایش و انجام رفتارهای آئینی در آن است.

گزینش بستر طبیعی بنای تاریخی کنگاور متناسب با کدامین کارایی دلخواه و برای برآوردن کدام یک از نیازهای انسان بوده است؟ برای رفع نیاز اقامتی، حکومتی، رزمی موقت یا دائمی شاهان یا گروه‌های مردمی و یا بالاخره امور آئینی یا مذهبی؟

ترکیب عمومی و شکل این بنای تاریخی، نظام حاکم بر اجزای شناخته شده آن، بویژه سادگی سطوح و پرهیز از تزئینات در پهنه نماهای گسترده آن، بیشتر نوعی انضباط اجتماعی در آن محسوس است که با باورهای آئینی و نیازهای فرازمینی انسان سازگاری دارد. یکپارچگی طرح، سنگینی و وقار بی‌پیرایه نماهای عمومی بنا و همچنین طراحی محوری حاکم بر بستر طبیعی و فضای پیرامونی منتخب آن از مشخصات غیر قابل انکار بنا است. و این خود شایسته بررسی‌های تاریخی احوال مردمی است که از دوران پیش از تاریخ در این سرزمین می‌زیستند و بعد از جزو سرزمین ماد قرار گرفت و سایه فرهنگ تاریخی خود را در دوره هخامنشی، اشکانی و ساسانی و شاید تا آینده‌های دور بر سر خواهند داشت. با توانمندی‌هایی که در فناوری و آفرینش‌های هنری ایشان به چشم می‌خورد از زیورهای رایج زمان خود پرهیز می‌کردند و همین پرهیزگاری از تزئین و سادگی مفرط در نماهای بنا است که نشان از آئینی بودن و کاربری مذهبی بنا دارد.

مانده‌های عوامل معماری و مدارک باستان‌شناختی به دست آمده از این بنا، بارها معرفی گردیده و تاکنون طی سخنرانی‌متعدد در سطح مجامع علمی ملی و بین‌المللی معرفی شده است، افزون بر این گزارش‌ها و مقاله‌ها و چند کتاب در باره آن به چاپ رسیده و منتشر گردیده؛ با این همه طرح معماری و سیمای عمومی بنا نامعین مانده و کارآیی‌های گوناگونی را به آن نسبت داده‌اند و همچنین پیشنهادهایی گوناگون در باره قدمت بنا و زمان پیدایش آن ابراز شده است. چه بسا که گذشته پرفراز و نشیب این سرزمین و احوال مردمی که سازنده بناهایی چنین ویژه هستند فراموش شده باشد و بسیاری از گوشه‌های زندگی نامه در گذشتگان، با بررسی همین مدارک و نشانه‌هایی که از ایشان بر جا مانده بازخوانی شود و بتوان احوال ایشان را بازشناخت.

شرح زیرساخت و کارآیی‌های کالبدی و موقعیت بستر بنا، طرح عمومی عوامل معماری، مرمت جبهه غربی، طراحی و احیای پلکان و مهتابی شرقی و همچنین پیشنهاد طرح موزه کنگاور و بازسازی بخش شمالی جبهه شرقی این بنا، عنوان درخور اشاره این سخن است.

آغاز سخن:

یاد آوری می‌کنم که برگزاری این همایش با سی‌امین سال آغاز کار گروه‌های باستان‌شناسی در محوطه باستانی کنگاور هم‌زمان شده است، شاید این خود تصادف و تقارنی باشد، براین که آینده‌ای روشن برای چهره راز گونه معبد آنهایتا در پیش خواهد بود.

هرچند که مکث و حرکت و رفتار مراجعان در گوشه‌ناشناخته این بنا و کارآیی آن به عنوان معبد هنوز روشن نیست^(۱)، و برای

۱- نخستین بار در گزارش‌های ایزیدور خاراکسی از بنای معبدی در کنکویار با نام معبد آرتیمیس یاد شده و پس از وی مورخان که از این گزارش آگاهی یافتند همین نظر را نوشتند. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:

Isidore of Charax "Parthian Stations"

ایزیدور اهل خاراکس ایستگاه‌های پارثی همراه با تعلیقات ویلفرد شاف، ترجمه فیروز عزیز حسن. سال ۱۳۷۷. ص ۱-۵. و همچنین ص ۸۸. از نسخه در دست انتشار گروه باستان‌شناسی کنگاور. سازمان میراث فرهنگی کشور.



(تصویر - ۱ الف): تصویر از محوطه معبد آناهیتا در شهر کنگاور (برگرفته از اسبیت کتاب پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران)

پیش رو داریم و با این همه به صورت یک بنای یکپارچه دیده می شود و وحدتی میان ساخت و ساز همه اجزاء آن هست، نشانگر وضعیت اقتصادی، تولید و کشاورزی دشت پربرکت کنگاور است؛ چون میزان بازدهی کار انسان توان آن داشته است که هزینه و زحمت ایجاد یک چنین طرح و بنای عظیمی را تضمین بکند. (تصویر - ۱ الف).

در دشت کنگاور آثار تاریخی عظیم و پر اهمیت دیگری نیز

نام گذاری معبد با عنوان "آناهیتا"، جایز نیست دارد، و در صورت پیدا کردن تلقی درست از کار آبی بنا که مسأله مستلزم تغییر نام معبد آناهیتا نیز هست، شاید کمی دیر نباشد، کما این که اگر "معبد" و یا "معبد آناهیتا" بودن را به صورت صفت و یا گونه کار آبی بنا در نظر بگیریم؛ ممکن است در آینده به جا باشد، ولی چون ترکیب و ازگانی "معبد آناهیتا" به صورت نام درآمده است و این بنا به همین نام مشهور شده است، باز هم باید تا هنگام تحقق نتیجه مطلوب، با همین لفظ ادامه داد، تا در آینده پس از حصول یقین در تحقیق علمی و روشن شدن مسأله شروع و گذر از بحث و نقدهای علمی؛ نام و کار آبی بنا، طی مفاد علمی معرفی گردد و در تشریفات رسمی، نام گذاری جدیدی برای این محوطه آشنا صورت پذیرد؛ مبادا که به لحاظ تغییر نام، اطلاعات مربوط به گذشته تاریخی بنا به آینده نپیوندد و بسیاری از اطلاعات تاریخی فراموش شود، کما این که نام قدیمی آن بنا و بسیاری از مسائل مربوط به آن را کسی در یاد ندارد.^(۱)

دیدید آمدن یک بنایی با این وسعت و عظمت که در این جا در

۱- "ابن خرداد به" (سال ۲۵۰ ه.ق.) شاید نخستین جغرافی نویس دوران اسلامی است که از این بنا با عنوان قصرالصوص یاد کرده است و پس از وی دیگر مورخان و دانشمندان گزارش او را با زبان‌هایی بازگو کرده اند، "ابن خردادبه" آورده است: "از کنگاور تا قصرالصوص هفت فرسخ، از قصرالصوص تا خندان هفت فرسخ، از خندان تا گردنه همدان و از آن جا تا ده عسل سه فرسخ، از ده عسل تا همدان پنج فرسخ راه است برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: ابن خرداد به، المسالک و المسالک، ترجمه دکتر حسین قره چانلو از روی متن دخیوه، ص. ۶۰، تهران، ۱۳۷۰.

هست که به آن‌ها هیچ عنایتی نشده^(۱)، در حال حاضر دچار خسارت، ویرانی و تباهی هستند؛ تپهٔ «کارخانه» در نزدیکی بنای معبد آناهیتا است و همین طور چشمه‌های سراب دهلر و سراب فش در نزدیکی این بنا است و تپه سراب که از لحاظ باستان‌شناختی اهمیتی ویژه دارد نیز در نزدیکی بنای تاریخی کنگاور است. (تصویر - ۱ ب)

اما معلوم نیست به چه دلیلی تنها توجه ما از نام کنگاور یادآور این بنای تاریخی است که از چندی پیش، معبد آناهیتا خوانده شده است.^(۲) (تصویر - ۲)

شایسته است که در این جا از دیگر مسئولیت‌هایی که در قبال دیگر آثار فرهنگی و تاریخی با ارزش موجود در محوطه‌های باستانی بر بستر این دشت بهشت آسا است یاد گردد که بر عهده نسل حاضر است.

نکته دیگر شایسته توجه این است که جذابیت‌های توده عظیمی از سنگ‌های فرو افتاده از فراز بنا که بر پیرامون آن انباشته است و جلوه هر یک از آن‌ها پیام‌دار شکوه بنا را فراتر از مقیاس رفع نیازهای انسان یا حتی نیازهای گروهی در کاربری‌های روزهای ویژه است و بیشتر به جاودانگی‌های آئینی و تشریفات آدابی، فراملی می‌برازد تا کاخی برای زندگی یک والی یا قصری برای امور حکومتی شاهی از شاهان پر شوکت. این همه سخاوتی که در پدید آمدن این بنای عظیم با این وسعت و با این کیفیت و با این وزن و قار به خرج گرفته شده است، در حوزه فلات ایران کم نظیر و بی‌بدیل است، با این حال با وجود بدنه‌های بسیار وسیع آن که پوشیده از سنگ‌های بسیار بزرگ با تراش دو تپشه در نمای بیرونی بوده است؛ در این بنا هیچ نشانه‌ای از نقش‌های تزئینی گل و گیاه و مجسمه‌های انسانی یا حیوانی نیست. شاید این خود راهگشا باشد بر شناخت باورهای مردمی که در این جا حضور داشتند و به هر نوعی که از این بنا استفاده می‌کردند، بر اساس باورهای آئینی ایشان بوده است که از ایجاد تزئین در بنا پرهیز کرده باشند. چون این بنا متعلق به هر دوره‌ای هم که باشد، تزئینات در بناهای سنگی، آن هم با این وسعت نمای مسطح که همچون آئینه صیقلی است، در همه جا تزئینات به مراتب بسیار زیادتر است؛ ولی در نماهای این بنا، نشانی از آن نقش تزئینی نیست، در این جا جز سادگی و بی‌پیرایگی چیزی دیده نمی‌شود. این فناوری ماهرانه ساخت و سادگی بنا شاید راهگشای درک روحیه مردمی باشد که در این محوطه به نوعی زندگی می‌کردند، در حالی که از لحاظ فناوری در حد اعلای

کاری که ممکن بود انجام شود اجرا کرده‌اند.

پیش نویس طرح جامع ساماندهی و مرمت این بنا^(۳) در چند سال پیش نوشته شده است و بسیاری از مسائلی را که توجه و اجرای آن‌ها لازم بوده، در آن درج شده است که در فصل‌نامه علمی فنی هنری اثر به چاپ رسیده است. سعی بر این است که از بازگویی همه آن‌ها پرهیز کنم تا فرصتی باشد؛ مطالب تازه‌تری که برای پیشرفت‌های علمی و شناخت کنگاور مفید است، طرح، معرفی و پیشنهاد گردد. در پیش نویس طرح جامع که یک جمع بندی کلی است، از مسائل فنی مربوط به ادامه حیات، نگهداری، مرمت، ساماندهی، خواناسازی و معرفی فضای عمومی معبد کنگاور، برای بینندگان که می‌خواهند از آن بهره‌برداری کنند و

۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به «بررسی دره کنگاور» کابل بانگ، در گزارش‌های سومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران آبان ماه ۱۳۵۳. ص. ۲۳-۳۰، توضیح این که بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه کنگاور در اوایل دهه پنجاه توسط کابل بانگ صورت پذیرفته است. عناصر مکشوفه در این بررسی شامل هفده مرحله است که به وسیله موزایک نقشه‌های مربوطه تعریف می‌شود. بنای تاریخی معبد آناهیتا متعلق به دوره تاریخی و دوران‌پیش از تاریخی در «گردین تپه» و «سه گابی» است؛ (برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: «کاوش در سه گابی» لوئیس دی. لوین. ص. ۴۴-۳۱ همان جا). با یک تقسیم بندی آماری ساده محوطه‌های باستانی از دوره ساسانی به بعد بر حسب دوره‌های تاریخی. به شرح زیر گزارش شده است:

ساسانیان: ۵۶ محوطه تاریخی. صدر اسلام: ۴۴ محوطه تاریخی.

دوره سلجوقی: ۳۵ دوره صفویه: ۱۸

دوران متأخر: ۹۳ دوران معاصر: ۸۵

۲- «ویلیامز جکسن»: در سال ۱۹۰۳م. از بنای تاریخی کنگاور یاد کرده و می‌گوید: «این ویرانه‌های «معبد آناهیتا»، «دیانای ایران باستان» است و در عبارتی دیگر این ویرانه‌ها را باز مانده‌های معبد آناهیتا، «ایزد بانوی ایرانی آب‌های آسمانی» می‌داند که یونانیان وی را با «آرتمیس» و «دیانا» یکی می‌دانستند. به احتمال زیاد در دوران متأخر «جکسن» برای نخستین بار نام «معبد آناهیتا» را برای بنای تاریخی کنگاور باب کرده است. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: «ویلیامز جکسن»، «سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال» ترجمه منوچهر امیری - فریدون بدره‌ای. ص. ۲۷۹ - ۲۸۱. ۴۱۶. تهران انتشارات خوارزمی. ۱۳۵۲.

۳- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: محمد مهربار، پیش نویس طرح جامع تعمیرات پرستشگاه آناهیتا (کنگاور) ص. ۸۶-۲، فصل نامه علمی، فنی، هنری اثر ۱۸ و ۱۹ زمستان، سال ۱۳۶۹.

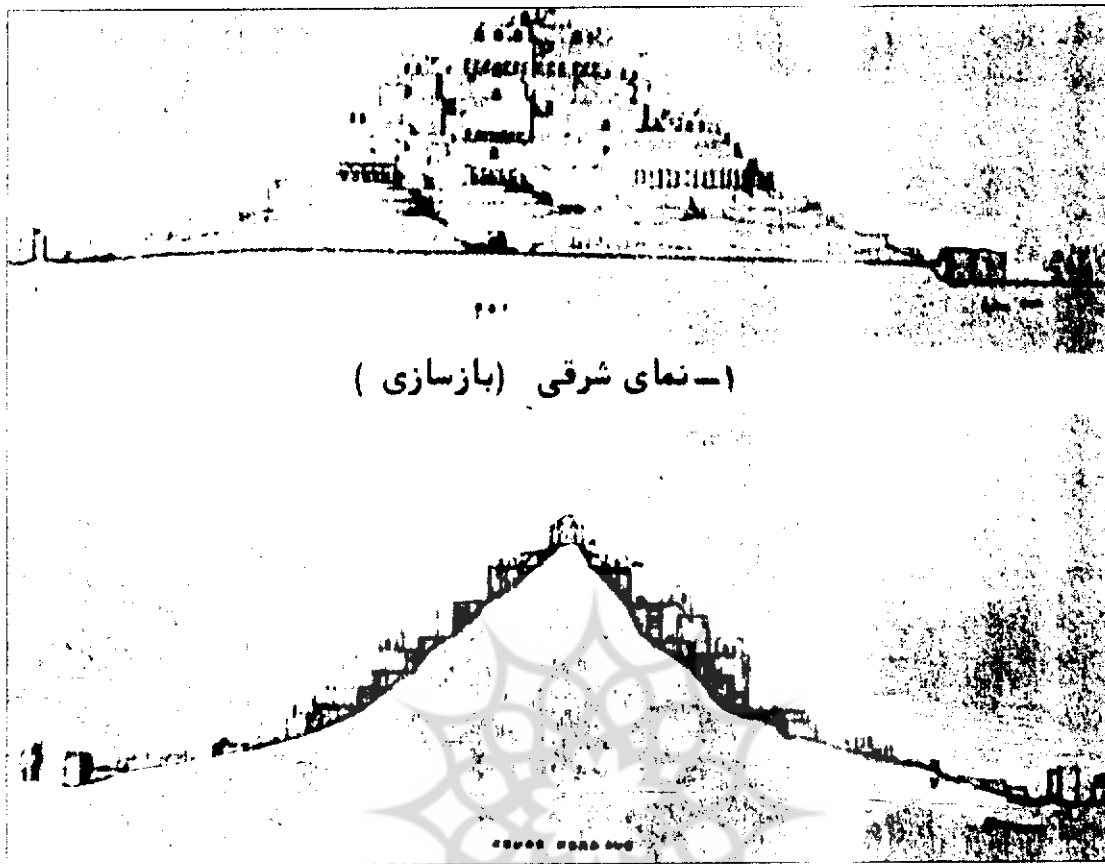


(تصویر - ا.ب.): تصویر هوایی تپه کارخانه در نزدیکی شهر کنگاور (برگرفته از آرکایو اسبیت).



(تصویر - ۳): تصویر هوایی محور طه باستانی گردین در نزدیکی شهر کنگاور در سال ۱۳۵۳ (عکس برادر نگارنده)

پژوهشگاه ملی باستان‌شناسی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات و تحقیقات باستان‌شناسی



۱- نمای شرقی (بازسازی)

۲- نمای جنوبی (بازسازی): برش شمالی جنوبی آتشگاه اصفهان و نمایش ساخت و ساز خشتی بر روی کوه طبیعی بستربنا، (طرح و مطالعه بنا: ماکسیم سیرو)

خشتی در شکم خود می گیرد و حجم بسیار عظیمی پیدا می کند و جلوه ای چندین برابر آن خرجی را پیدا میکند که با مصالح خشت و گل بر آن صرف کرده و بر روی کوه، مهتابی هایی خشتی ایجاد کرده اند.^(۲) (نقشه - ۱)

در کنار هم همین کار شده، به صورتی که قله کوهی بنا

هنرمندان و محققانی که می خواهند در زمینه کار بررسی و تحقیق و عملیات اجرایی به پردازند. تاکنون برخی از رئوس مطالب و سبب و پیشنهادهایی که در این طرح جامع درج شده، به بسط و توسعه آن ها پاسخ داده شده و بسیاری دیگر از آن ها همچنان در انتظار اقدامات مالی و اداری است و برخی نیز مجهول مانده است.

بررسی استقرار ساختمان بر بستر طبیعی:

پیش از پرداختن به شرح مبانی طراحی بنا، اشاره به ترکیب بنا با بستر طبیعی ناهموار آن ضروری به نظر می رسد و آن یک نکته خیلی مهم، شباهتی است که تنها در لحاظ میان آتشگاه اصفهان^(۱) و معبد کنگاور وجود دارد. آن، از آن خود کردن حجم بستر طبیعی اندرون سازه ای است که بر آن استوار شده است در آتشگاه اصفهان یک کوه به ارتفاع ۸۷ متر را یک بنای

۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: ماکسیم سیرو، آتشگاه اصفهان، ترجمه کوه کرباسی، مستخرج از "ایرانیکا آنتیکا" در فصل نامه علمی فنی هنری اثر ص. ۲۰۲-۱۶۸، ش. ۱۸-۱۹، زمستان سال ۱۳۶۹.

۲- تصویر ۳- نمایش دهنده طرح برش آتشگاه اصفهان و میزان ساخت و سازی خشتی بر روی کوه طبیعی است، برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: ماکسیم سیرو، آتشگاه اصفهان، ترجمه کوه کرباسی، مستخرج از "ایرانیکا آنتیکا" در فصل نامه علمی فنی هنری اثر ص. ۱۹۹، ش. ۱۸-۱۹، زمستان سال ۱۳۶۹.

ارتفاع سی متر (نسبت به اراضی مجاور بنا) در شکم ساخت سازی بزرگ قرار گرفته و ابهت و جلوه‌ای ویژه به بنا داده است که شاید این هم یکی دیگر از ویژگی‌های دیگر این بنا و نکات مشترکش با بناهایی مانند آتشگاه اصفهان باشد، که در آن، هم مسائل مربوط به کارایی و طرح عمومی رفتار با آن و زمان ساخت و دیگر رخدادهای تاریخی‌اش، تردیدهایی وجود دارد؛ با این ترتیب نمی‌توان با مقایسه دو مجهول، به مجهول بیشتری دامن زد و در این جا تنها به لحاظ این که حجم کوهی درون یک بنا پنهان شده است، می‌توان این دو بنا را باهم مقایسه کرد.

اینک همراه با نمایش اسلایدهایی چند که برای شناخت فضای کنگاور فراهم آمده است، به کارهایی که بر حسب پیش نهادهای برنامه طرح جامع انجام شده و پیشرفت‌هایی که از لحاظ علمی حاصل شده است و همچنین کارهایی که شایسته است مورد توجه قرار گیرد اشاره خواهد شد.

با استفاده از عکس هوایی که پروفیسور اشمیت^(۱) از عرصه و پیرامون این بنا تهیه کرده‌اند، سعی شده است که با رنگ آمیزی لبه‌ها و عوارض شاخص بستر طبیعی زمین در کوه پایه غربی دشت کنگاور، نوع استفاده از طبیعت و استقرار بنای کنگاور نسبت به قله پشته‌ای که در میان آن قرار دارد به نمایش گذاشته شود. (نقشه - دو)

این نقشه مجموعاً نشان دهنده تصویری است از نقاط دیده شده صخره که به صورتی شاخص رنگ آمیزی شده تا معلوم باشد که بنا چگونه بر روی سنگ کوه طبیعی مستقر شده است. بر دامنه‌های شرقی کوه چلمران، قله آخرین برجستگی کوه چلمران مشخص شده است که بر منظر رو به مشرق دشت کنگاور مسلط است. دامنه‌های شرقی آن با واسطه تپه بابا قورت در دشت مستحیل میشود.

طرح و کارایی بنا بر اساس شواهد موجود:

اگر راستایی به طور نسبی شمالی جنوبی به مرکزیت قله یاد شده را در نظر بگیریم، این راستای شمالی جنوبی، محور تقارن بنا خواهد بود به بیانی دیگر جبهه شرقی نسبت به این راستا با جبهه غربی (منهای جزئیات) قرینه خواهد بود در جبهه جنوبی نیز هر دو سمت شرقی و غربی آن نسبت به این محور قرینه است.

این راستا محور تقارن و تعادل بنا است و ترکیب راستای دیگر اضلاع بنا به موازات این راستای این محور است که از قله بستر بنا می‌گذرد. قله صخره از دیگر نقاط بستر و بنا به مراتب

بلندتر است، این انتخاب ارادی است و تعمد است و این قله را برای ویژگی فعلی که انتظار داشته بر گزیده است، هر چند که هدف او از این ساخت و ساز هنوز بر ما پوشیده مانده است. (نقشه - سه)

جایگاه این قله رفیع در بستر بنا، تصادفی نیست که در میان بنا قرار گرفته است و کسی که این بنا را طراحی و اجرا نموده است، قطعاً با مسائل طراحی و انتخاب موقعیت طبیعی مناسب برای ساخت و ساز کلان خود آشنایی داشته و به بهترین وجه از ناهمواری‌های زمین و حجم کوه در پدید آوردن فضای دلخواه خود سود جسته است. شاید طراح بنا، چشم‌اندازی را که روزهای بسیار به آن اندیشیده بود و در رؤیاهایش جستجو می‌کرد، در دامنه‌های کوه چلمران بر روی زمین یافته و باشوق دست‌اندر کار آفرینش خود شده باشد.

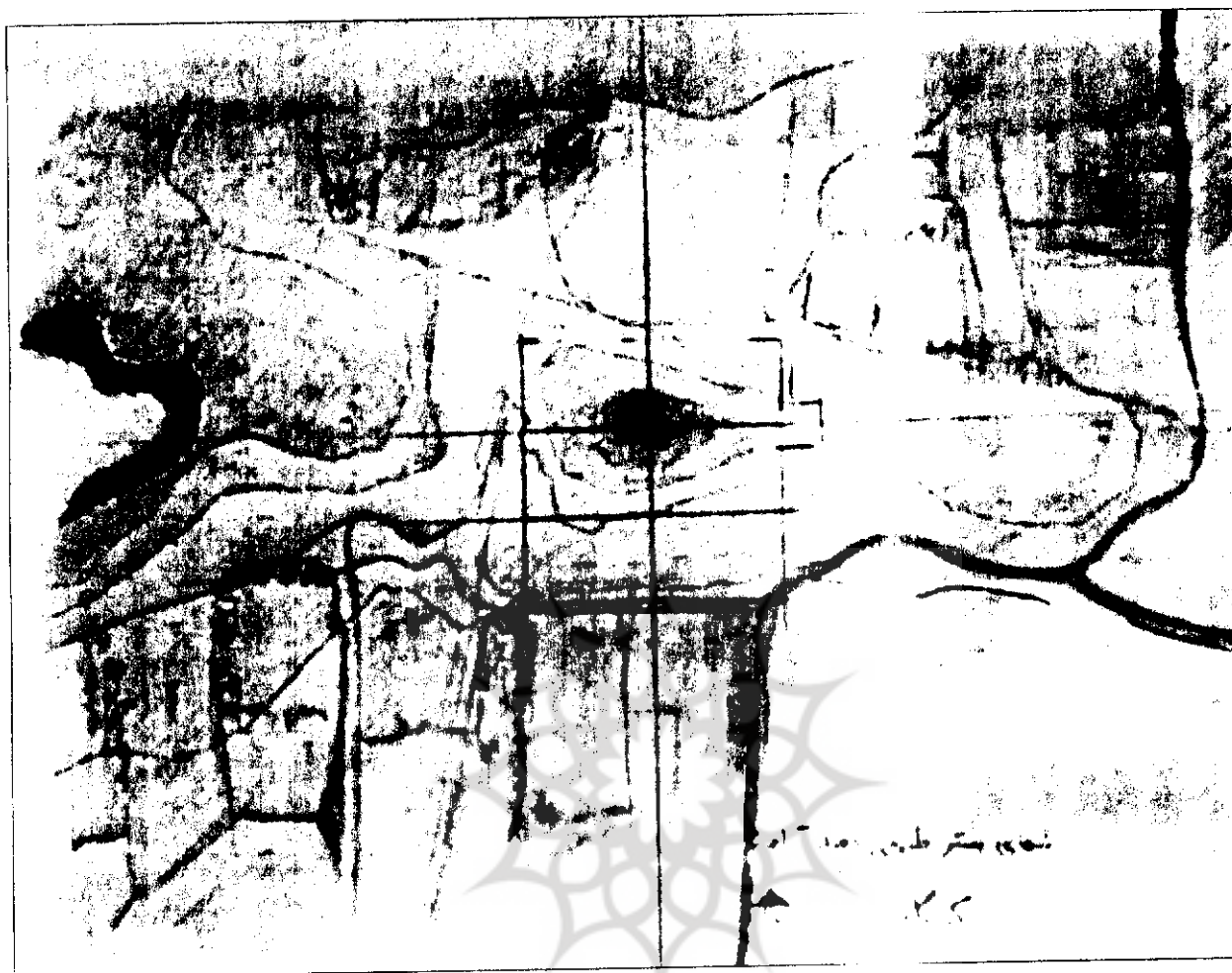
انتخاب قله مرکز بنا که ناظر بر طلوع خورشید در دشت کنگاور است. از ویژگی‌های شاخص بنادر استقرار بر بستر طبیعی است. البته این قله ناظر غروب خورشید نیز هست که در پرده دوم اهمیت قرار داشته (چون غروب خورشید در پس بلندی‌های کوه چلمران صورت می‌گیرد قله مرکزی بستر بنا کمتر بر نظارت آن توجه دارد). شاید بررسی رابطه استقرار بنا با جهات اصلی جغرافیایی و اندازه گیری‌هایی در مقایسه زاویه تابش طلوع یا دیگر وضعیت‌های خورشید در میان روز یا غروب در طول روزهایی همچون نووز برای شناخت بیشتر کارایی بنا مفید باشد.

مहतایی پیرامونی با پهنایی برابر ۱۸/۵ متر به طور یک نواخت در سه جبهه: شرقی، جنوبی و غربی برپا بوده و پهنای مهتایی جنوبی با احتساب پهنای ۴/۱۵ متری یک دستگاه پلکان دو طرفه و قرینه جنوبی است بیشتر از دو جبهه دیگر است. ترکیب جبهه شمالی روشن نیست و جز پهنای ۱۸/۵ مهتایی پیرامونی در دو گوشه شمال شرقی و شمال غربی، نشانی از آن در دست نیست.^(۲)

۱- آریک اف اشمیت، پرواز بر فراز شهرهای ساسانی ایران، برگردان: آرمان شیشه‌گر.

تصویر ۱۰۴، انتشارات: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه) ش: ۸۶، سال ۱۳۷۶.

۲- در بنای معبد آناهیتا در بیشاپور که از چهار دالان مشرف به صحن مرکزی، سه دالان شرقی، جنوبی و غربی با پهنایی قابل تردد و دارای ویژگی‌های یکسان هستند و دالان شمالی از لحاظ پهنای گونه‌ای دیگر و با پهنایی به مراتب کمتر است که محل تردد نبوده متمایز از آن سه دیگر است.



(نشه - دو): عوارض جیبی و برجستگی‌های شرقی کوه چلمران که بستر بنا و ناظر بردشت کنگاور در شرق معبد آناهیتا است.

نشانه‌هایی از مهتابی فراز قله صخره برج مانده است که در پیرامون فضای اصلی مرتفع آن برخی از سخت و سازهای آن و ته رنگ شالوده‌های آن بر صخره دیده می‌شود. اما طرح آن روشن نیست و در این جا تخیل و تصویری از مدارکی که در کاوش‌های سال ۱۳۵۷ معرفی شده^(۱)، در بلندی صخره قله ترسیم گردیده است. بی آن که چند و چون معماری آن را به زیر

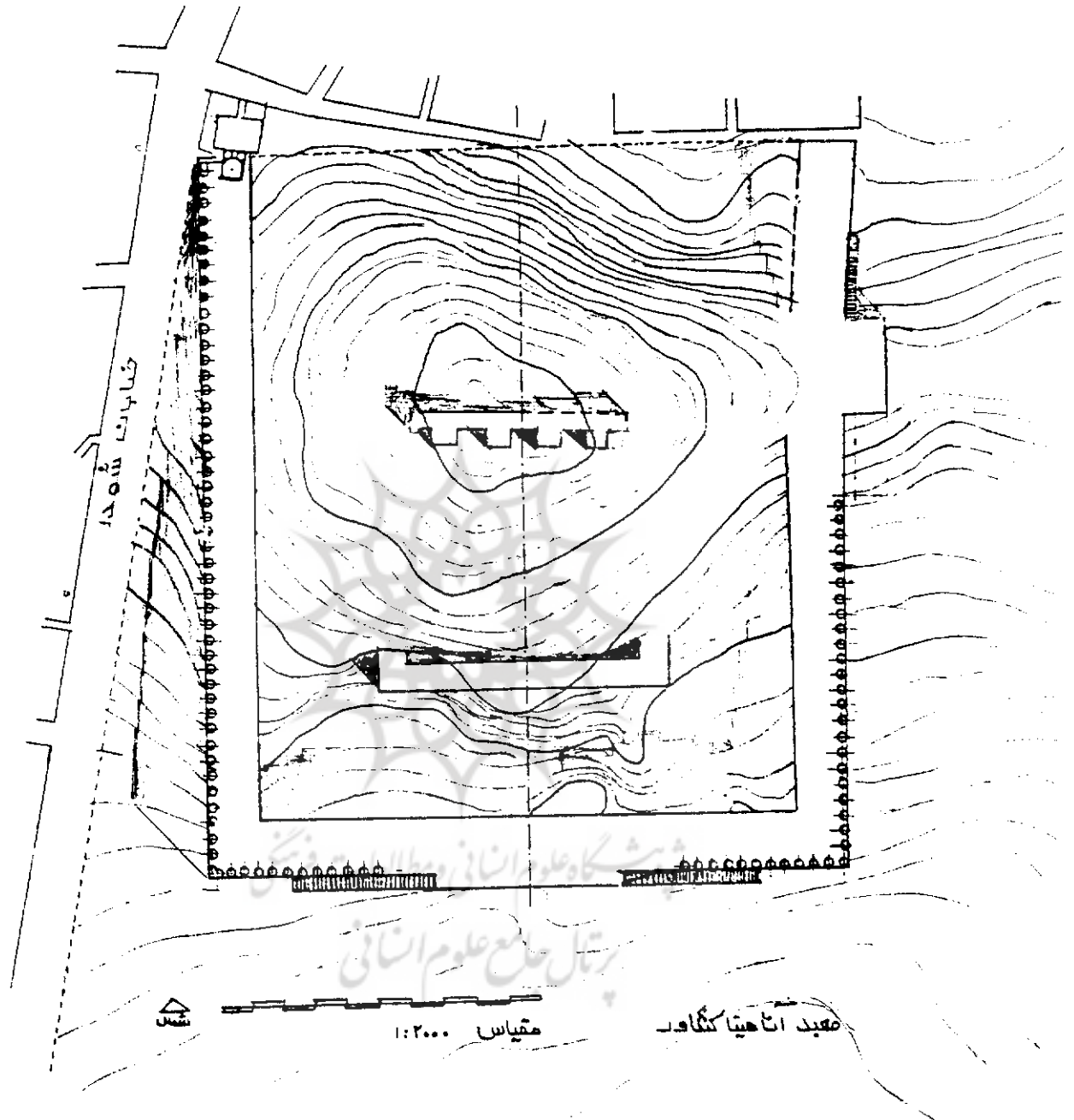
راستای محور شمالی جنوبی از بلندی‌های قله می‌گذرد و جبهه شمالی را (که هنوز آثاری مشابه سه جبهه دیگر بنا که جز دو گوشه شمال غربی و گوشه شمال شرقی از آن به دست نیامده است) و همچنین جبهه جنوبی را دوتایی می‌کند. از این رو راستای شمالی جنوبی یادشده محور تقارن بنا نیز به حساب می‌آید. قله صخره در فاصله یک سومی درازای شمالی جنوبی بنا از جبهه شمالی است و همین طور در مقابل یک سومی درازای بنا از جبهه جنوبی، مهتابی میانی جا دارد و در فاصله این دو تنده ای است که هنوز عملیات کاوش در آن به نتیجه نرسیده است. مهتابی میانی که پهنای آن برابر نیمی از پهنای مهتابی محیطی و برابر ۹/۲۵ متر است. درازای این مهتابی در راستای شرقی غربی و به تقریب برابر ۹۲/۵ متر است.

۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: دکتر مسعود آذرینوش "کاوش کنگاور"، ترجمه فاضل کریمی، ص. ۱۸-۵۴. فصلنامه علمی فنی و هنری اثر، ش ۲۹، سال ۱۳۷۷

شرد بین ببریم و تنها نمایش تهرنگی از حضور نشانه معماری بر فراز قله سنگی مورد توجه بوده است.

هویت تاریخی فضاهایی که بر قله ترسیم شده و دیگر عوامل معماری بنا همچون مهتابی محیطی و یا مهتابی میانی و بحث همزمانی پیدایش آن‌ها منظور این بخش از کلام نیست و این که آیا نشانه‌های معماری بالای صخره با مهتابی محیطی و مهتابی

میانی همزمانی دارد یا نه؟ مورد بحث نیست، البته آقای آذرنوش در مقاله خود نسبت به دوره‌های شکل‌گیری بنا بحث کرده‌اند و در صورت لزوم می‌توان به آن مراجعه نمود، ولی در این جا تنها اشاره به شواهد معماری که در محل دیده شده است و ممکن است همزمان با هم مورد استفاده قرار گرفته باشند، اکتفا گردیده است سعی بر این بوده است که از بحث بر مثال‌هایی که تاکنون آشنا



(نقشه - سه): استقرار بنا بر عوارض بستر طبیعی، طرحی آگاهانه، ارادی و برگزیده است.

نیوده و به آن‌ها بر خورد نشده است. پرهیز گردد، فرضاً در جبهه شمالی، تاکنون مدرکی و نشانه‌های معماری همزمان و همخوان با دیگر مهتابی‌های وجوه دیگر بنا دیده نشده است و احتمالاً وجود ندارد، خود به خود در بعضی که برحسب اطلاعات موجود تهیه شده، جبهه شمالی از طریق مجموعه حذف گردیده است. البته نه به این دلیل که اگر شواهدی یافت شود آن را نفی کنیم، بلکه به این لحاظ که تاکنون دلایل دست نیامده است که در ساختار جبهه شمالی نیز همانند سه جبهه دیگر مهتابی پیرامونی بنای معبد ادامه یافته باشد.

شمای عمومی معبد کنگاور در حوضه مهتابی پیرامونی آن عبارت است از یک مهتابی به هم پیوسته پیرامونی بنا در سه جبهه شرقی و جنوبی و غربی آن، که یک دستگاه پلکان دو طرفه قرینه بر فراز جبهه جنوبی آن دسترسی افرد و یک مهتابی میانی هم‌تراز با مهتابی پیرامونی و یک مهتابی مهرباب مانند بر فراز صخره است که احتمالاً قبله گاهی برای انجام مراسم آئینی بوده است. (طرح - چهار) کروکی طرح دستی و کامپیوتری طرح بازسازی

چون تاکنون نشانه‌های از فضای سر پوشیده در مقیاس مهتابی‌های سراسری بسیار طویل بنا دست نیست و هر سه مهتابی را می‌توان رو باز دانست، جای ترد گونه استقرار و رفتار عمومی گروه‌هایی را که برای انجام مراسم یا حضور در این بنا گردمی‌آمدند را بررسی کرد. با توجه به راستا و ترکیب مهتابی دو حالت عمومی امکان پذیر است؛ یکی آن که جماعتی می‌آمدند و با آرایشی رو به دشت می‌ایستادند و بطی را انجام می‌دادند. یا برعکس گروه‌هایی می‌آمدند و رو به بلندی مرکزی بنا در بلندی مهتابی فراز صخره (مهرباب یا سکوی منبایه، قبله گاه مانند) می‌ایستادند و مراسمی را به جا می‌آوردند. در این حالت ترکیب سطوح معماری شناخته شده در دو حرکت موازی رو به شمال دارد و سومی نیز در بالا (شمال) جا دارد که در قله است. طراز سطح موجود مهتابی میانی که پیش از این برای نیمه از پهنای مهتابی پیراسونی است، به میرا سه متر از سطح پای ستون موجود در مهتابی گوشه شمال غربی بنا پایین تر است؛ که ممکن در بنای اصلی هم‌تراز بوده و به اثر تغییرات و ساخت و سازهای بعدی تحلیل رفته باشد، کمالاتی که سطح این مهتابی در بستر حمام دوران سلجوقی نسبت به دیگر نقاط آن بلندتر مانده است. در این صورت شاید بتوان به سبب همزمانی را در کاربری مهتابی میانی با مهتابی پیرامونی را پیدا نهاد داد. اما نسبت به

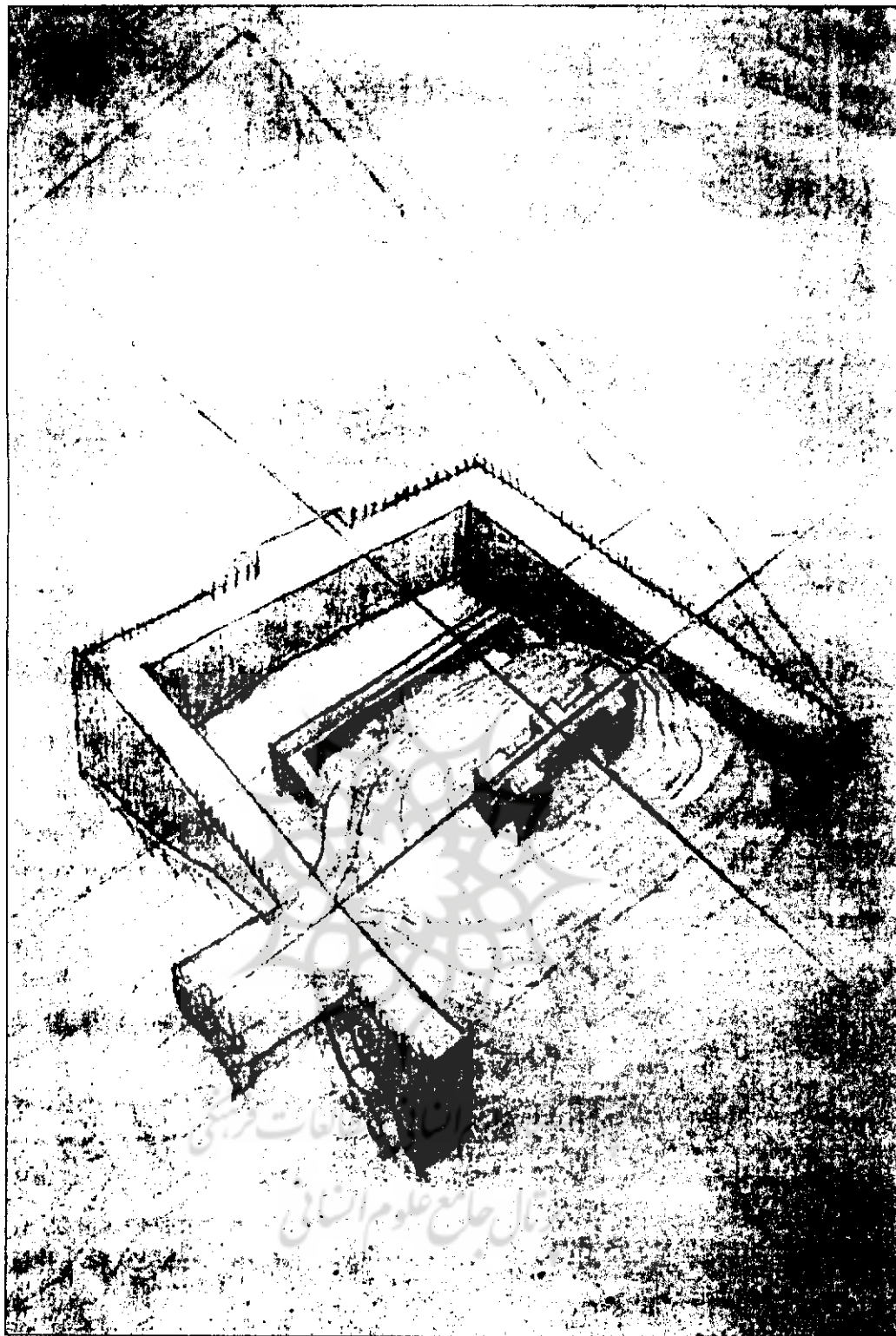
همزمانی ساخت و سازهای مهتابی فراز صخره با دو مهتابی دیگر پیشنهاد خاصی نمی‌توان داشت جز این که در صورت همزمانی کار آبی این مجموعه باهم در آن شاید فضای مهرباب مانند یا قبله گاهی یا کرسی خطابه‌ای بر پا بوده است، و آن هم به لحاظ دو حرکت موازی مهتابی میانی با مهتابی پیرامونی است که عملاً از سه سمت بر گرد مهتابی فراز صخره بوده و آن را در میان گرفته و به آن می‌نگرند. تنها در این صورت است که می‌توان نقش ستون‌هایی را که بر لبه بیرونی مهتابی پیرامونی بنا دارند حایل، هشدار دهنده و محافظ و هادی مردمی دانست که پشت به ستون‌ها و رو به مهتابی فراز صخره ایستاده باشند. (طرح - ۴. الف.) و (طرح - ۴. ب.)

۱- از آن جا که در همایش یک روزه کنگاور فرصت تشکیل میز گرد و مدعه نظرات دست نداد و در هنگام سخنرانی نیز به لحاظ محدودیت زمانی، فرصت بحث و گفتگو دست نداد، با دروغ از این که مطالب آماده شده فرصت ابراز نیافتند. در این جا به جبران گذشته فرصت را غنیمت شمرده، به درج برخی از ناگفته‌های پردازم، باشد که ملاحظه آن برای اهل فن سودمند و درخور نقد و بررسی باشد.

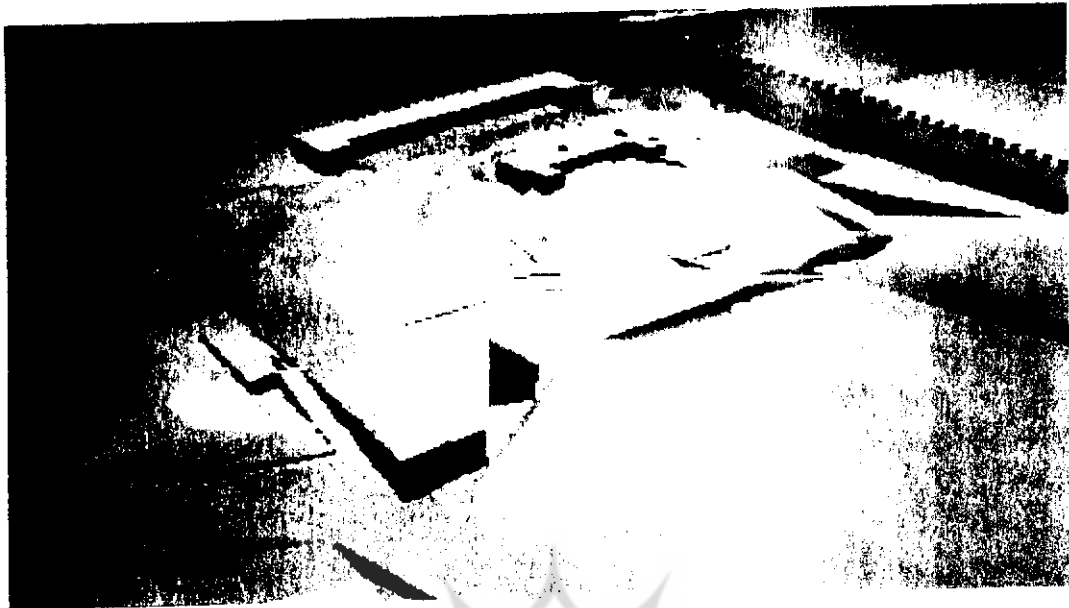
سطح مهتابی سراسری پیرامونی به بیش از یک و یک دهم هکتار و بالغ بر ۱۰۰ متر مربع قابل تخمین است و سطح مهتابی میانی بالغ بر ۸۵۰ تا ۹۰۰ متر مربع و سطح مهتابی فراز قله را شاید بتوان در حدود نیمی از مهتابی میانی تخمین زد. در صورتی که این سه فضای برای گرد همایی گروه‌های اجتماعی در نظر گرفته شود، بر حسب موقعیت مکانی وجود سه نوع مهتابی یاد شده، دست کم سه گروه متفاوت بر آن‌ها جا خواهند گرفت. در صورتی که مهتابی فراز صخره جایگاهی برای خطابه یا هدایت یا انجام تشریفات فرهنگی آئینی یا نیایشی فرض شود، مهتابی میانی و مهتابی پیرامونی، جایگاهی برای دو نفر متفاوت، دست کم به لحاظ تعداد جمعیت و بر حسب گنجایش متفاوت این دو مهتابی خواهد بود، که در هر صورت رو به سوی مهتابی فراز صخره خواهند داشت و به این موقعیت مشترک در برابر گروهی قرار می‌گیرند که بر فراز صخره جا گرفته‌اند. تعدادشان به مراتب کمتر از دو گروه مشترک یاد شده است و محتمل است که پلکان شمالی، تنها برای دسترسی این گروه به کار گرفته باشد، شاید هم برخی از گروه‌هایی که بخش شمالی مهتابی شرقی و یا بخش جنوبی این مهتابی جا داشتند از این پلکان بهره برداری می‌کردند.

گروه چهارمی نیز شاید بتوان برای مشارکت دورادور در این مجموعه را در نظر گرفت، چنان که ایشان برگرد فضای بیرونی معبد و با فاصله‌ای از آن، در سطح دشت، رو به بلندی صخره بایستند و ناظر باشند که به واسطه دوری از فراز صخره، محدوده‌ای که چندان دور از بنا را اشغال می‌کرده‌اند.

حال اگر برای حضور هر نفر در متراکم‌ترین وضعیت اشغال بنا، سه چهارم تا یک متر مربع جا در نظر گرفته شود، بر روی مهتابی پیرامونی بین ۱۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت رو به فراز قله می‌ایستند و همین طور اگر برای هر نفر بر روی مهتابی میانی یک تا دو متر مربع جا در نظر گرفته شود، این گروه که احتمالاً جزو برگزارندگان یا افراد ممتاز جامعه خواهد بود، برای در حدود ۵۰۰ تا هزار نفر جا خواهد بود. حال اگر اطلاعات بیشتری نسبت به توزیع جمعیت در معبد به دست آید این ارقام به سمت اعدادی منطقی‌تر و احتمالاً واقعی‌تری میل خواهند کرد.



(طرح - ۴ الف): ترکیب پیشنهادی دستی، برای طرح بازسازی معبد آناهیتا



(طرح - ۴. ب.): ترکیب پیشنهادی رایانه‌ای، برای طرح بازسازی معبد آناهیتا

شناسایی بستر معماری و کاوش در بخش شمالی جبهه غربی معبد:

بخش شمالی جبهه غربی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۶۹ تا سطح صخره، مورد کاوش و خاکبرداری قرار گرفت. و در این جا

پشت از یکدیگر به میزان چهار ردیف در فاصله هر دو ستون متوالی، رو به فرار صخره ایستاده باشند. سرجمع و بدون ذکر جزئیات محاسبه تعدادی بالغ بر ۱۲۰۰۰ نفر تا پیش از ۱۸۰۰۰ نفر را بر حسب این که آهنگ رفتار ایشان چه مضمونی داشته باشد، میتوان در کنار یکدیگر در نظر گرفت.

انکای به اعداد، ریاضی و هندسه معماری بنا بر حسب این که نقش اعداد را در باورهای آئینی در تاریخ ادیان کهن در فاصله دو دوره متوالی مفروض (دوره پیشنهادی اشکانی و ساسانی) مورد مطالعه قرار گیرد، این گونه بررسی را شایسته پیگیری منحصص علوم دینی - تاریخی در پی بردن به راز بنای معبد کنگاور دانسته و پیشنهادی به این مضمون درخواست می گردد.

← در صورتی که جاگیری افراد گروه یا گروه‌هایی نیز در نهایتی پیرامونی می‌ایستادند، با احتساب گذرهای دسترسی آسان با آرایش در جهت آهنگ جاگیری ستون‌های لبه‌های مهتابی باشد، گرد همایی ایشان با شکوه و جلوه همساز با طرح معماری ستونک‌نمایشگاه یا پرستشگاه خواهند بود. با توجه به همساز بودن کاوش در همه اجزای پیرامونی بنا، به ویژه کاوش‌های فضای جبهه غربی نیز انجام شده است. با این حال در طرح‌هایی که تاکنون نسبت به آرایش ستون‌ها در دسترس است، پیشنهاد گردیده است، تعدادی کمتر از یک صد ستون بر فراز مهتابی پیرامونی جبهه شرقی، جنوبی و غربی بنا با این شرح مختصر جایابی شده است. در هر دو سمت شرقی و غربی، جبهه جنوبی (در دو سمت پلکان دو طرفه) به قرینه یکدیگر آرایش ستون‌ها در فاصله ۴۸ ستون در هر دو سمت شرقی و غربی مهتابی کوچک شرقی نیز ۲۴ ستون بر فراز لبه پیرامونی جنوبی آرایش ستون‌ها را ممکن است پس از کاوش در بخش‌های باقی مانده در دسترس، دیگر از آرایش ستون‌ها را بتوان پیشنهاد داد.

پهنای مهتابی پیرامونی بنا برابر است با فاصله محور ستون تا محور ستون پنجم و برابر ۱۸/۵ متر است و در فاصله ۴/۷۵ متر است، جای ایستادن برای ۵ نفر تا حد امکان است، که با فاصله پهلو به پهلو نزدیک به ۲۵ تا ۳۰ متر و همچنین فاصله پشت تا

۱ - کما این که در سفرنامه "ولیمز جکسن" میخوانیم: از زمان "کرپورتر" ۱۸۱۸م. تا به حال چند تا از ستون‌ها افتاده‌اند. زیرا "کرپورتر" از پایه‌های ۸ ستون که هنوز برپا بوده و خیلی خوب برجا مانده بود، سخن می‌گوید و این به ظاهر غیر از پایه ستون مرعی است که مجاور ستون واقع بر منتهی الیه فوقانی قرار دارد و در نقشه‌هایی که "تکسیه" ۱۸۳۹م. و "فلاندن" و "کست" فرانسوی ۱۸۳۹ - ۱۸۴۱م. و "ماسون" انگلیسی ۱۸۴۵م. ترسیم کرده‌اند، به چشم میخورد. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: "ولیمز جکسن" سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال - ترجمه منوچهر امیری - فریدون بدره‌ای. ص. ۲۷۹ - ۲۸۱. ۴۶۶. تهران. انتشارات خوارزمی. ۱۳۵۲.

است، از یادآوری دوباره آن صرف نظر می شود.

آسیب شناسی و تعمیرات بنا در گوشه شمال غربی؛

تعمیرات و بازسازی نمای جبهه غربی، در پوسته بیرونی جسم بنا به ضخامت دو متر از مجموع ۱۸/۵ متر پهنای مهتابی پیرامونی، این تعمیرات با ملات سیمانی و سنگ‌های اصیل پیاده شده و برخی مرمت شده و برخی سنگ‌های تازه برش خورده انجام شده است. (تصویر - ۵)

اما پیش از شرح این تعمیرات، بررسی گزارش آسیب شناسی بنا در سال‌های اخیر شاین توجه است که به به شرح موجز آن می پردازم. در ردیف‌هایی از سنگ‌های نما که اخیراً از خاک بیرون شده است سطوح فوقانی آن دارای انحرافی چشمگیر به سمت بیرون است. در پشت سنگ‌های نما که در شیب صخره جا دارند نشانی از ملات گچی نیست، روشن است که نشط آب های سطحی که از درون بنا بر روی شیب صخره جاری می شده در پشت سنگ‌های نمای بیرونی نفوذ کرده و ملات گچی را پوسانیده و از بین برده‌اند. (تصویر - ۶)

کوتش خواهد شد نوع بتابی و وضع موجود سنگ‌های نمای مهتابی و تعمیراتی که پیش از این انجام شده، مورد بررسی قرار گیرد. (تصویر - ۳)

در کاوش‌های پای مهتابی غربی تعدادی پایه ستون، میان ستون و سرستون و سنگ‌های نمای غربی فرو افتاده، نمایان گردید. در هنگام کاوش بررسی و شناسایی ریخته‌های و لایه های هنجوار و زیر هر سنگ در برنامه کار گروه بود تا پس از طبقه بندی سفال‌ها و مدارک موجود زمان فرو افتادن هر سنگ روشن شود و در مقایسه فرو افتادن دیگر سنگ‌های نما، نوع آسیب وارده بر بنا را طبقه بندی و معلوم کرد. شاید بتوان جستجو کرد که آیا همه سنگ‌های نما در یک دوره فرو افتاده یا در دو سه یا چند دوره بنا آسیب دیده است. (۱) از آن جا به وقوع نزله در کنگاور نیز گزارش‌هایی تهیه شده است، معاینه وضع موجود و اطلاع از دوره فرو ریختن سنگ‌های نما در بررسی‌های ایستایی بنا درخور توجه خواهد بود. (تصویر - ۴)

از آن جا که سخنان مهندس فرهنگی در باره مردود بودن طرح پیشنهادی طاق و قوس و پوشش روی ستون‌ها مورد تأیید



(تصویر - ۳): نمای عمومی معبد آناهیتا از فراز مهتابی غربی.



تصویر ۲۰: پایه ستون، میان ستون و سنگ‌های نماد ریختن شمالی جبهه غربی.

خودی خود پس از تکرار هوازدگی ملاط و پوسیدگی تدریجی در فصل‌های بارندگی سال‌ها و قرون پیاپی، ایستایی نمای بنا دچار اختلال شده و سنگ‌های بیرون زده در ناحیه میانی و شکم بنا به بیرون لغزیده و فرو می‌افتند، بلافاصله سنگ‌های بالایی و قطعات ستون‌ها بر روی سنگ‌های میانی فرو می‌ریزند. ولی پس از این فروپاشی سنگ‌های فوقانی، سنگ‌های زیرین بخش شکم داده نما که به حالت مایل در آمده بودند و دیگر نیرویی بر آن اثر نمی‌گذارد همچنان به صورت مایل در زیر آوار باقی مانده‌اند. (تصویر - ۷)

نکته‌ای بسیار ظریف در مرمت و نوسازی‌های جبهه غربی در سال ۱۳۶۵ به لحاظ برنامه ریزی ادامه تعمیرات و نوسازی بنا حایز اهمیت بوده و شایان توجه بیشتری است؛ تعدادی از سنگ‌های نمای جبهه غربی در جای خود مانده و در هنگام پیاده سازی ستون‌ها و دیگر سنگ‌های نما، بنا به دلیلی که گزارش شده و روشن نیست، با وجود فرسایش بسیار شدیدی که موجب تحلیل رفتن رویه نما و از دست رفتن چهره سنگ تا عمقی

در گوشه جنوبی فرسایش ملاط در بخش زیرین نما به وضوح دیده می‌شود، در حالی که در بخش فوقانی ملاط میان سنگ‌ها چنان متراکم مانده است که تنها در آن راهی ندارد. پس از بروز ضایعه رطوبت و پوسیدگی ملاط در سطوح زیرین ساختمان مهتابی، در هم چسبیدن ملاط در پشت کار ریشه درونی سنگ‌های نما و لب به لب بودن مصالح بیرونی سنگ‌های نما موجب می‌شود که اختلاف ارتفاعی در نمای بیرونی و جسم درونی سنگ و ملاط پوسیده توکار پیدا آید؛ نتیجه کار این است که به ناچار برای ایجاد تعادل سنگ‌ها در بخش میانی دچار شکم دادگی و بیرون زدن سنگ‌های نما می‌گردد.

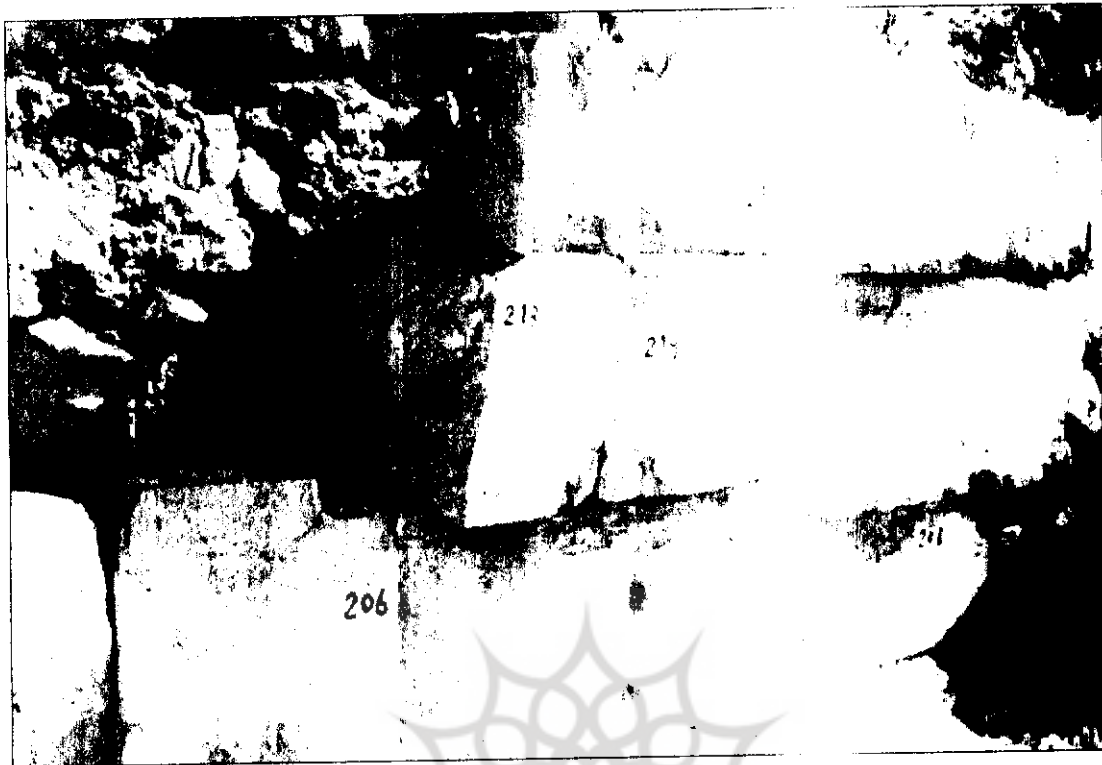
با انحراف سنگ‌های میانی رو به پایین بنا، سنگ‌های بالاتر که در زیر فشار بار متمرکز ستون‌های زیرین قرار دارند، از حالت شاغولی یا شیبی معکوس به سمت دیگر مایل شده و محور ایستایی ستون‌ها نیز به سمت درون پهن‌تر صرف شده و با از دست رفتن تعادل ایستایی، ستون‌ها فشار عمده ناشی را به بخش میانی سطح نما وارد آورده، سنگ‌های میانی را به بیرون رانده و به



(تصویر-۵): جبهه غربی پس از زیاده کردن ستون ها و سنگ های نما و اجرای طرح بازسازی بخش های پیاده شده، در سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵.



(تصویر-۶): آسیب های عمومی نمای جبهه غربی در راستای بخش بازسازی شده.



(تصویر-۷): آسیب‌های ناشی از آبیستگی ملاط سطوح زیرین مهتابی جبهه غربی وانحراف سنگ‌های تختانی نما.



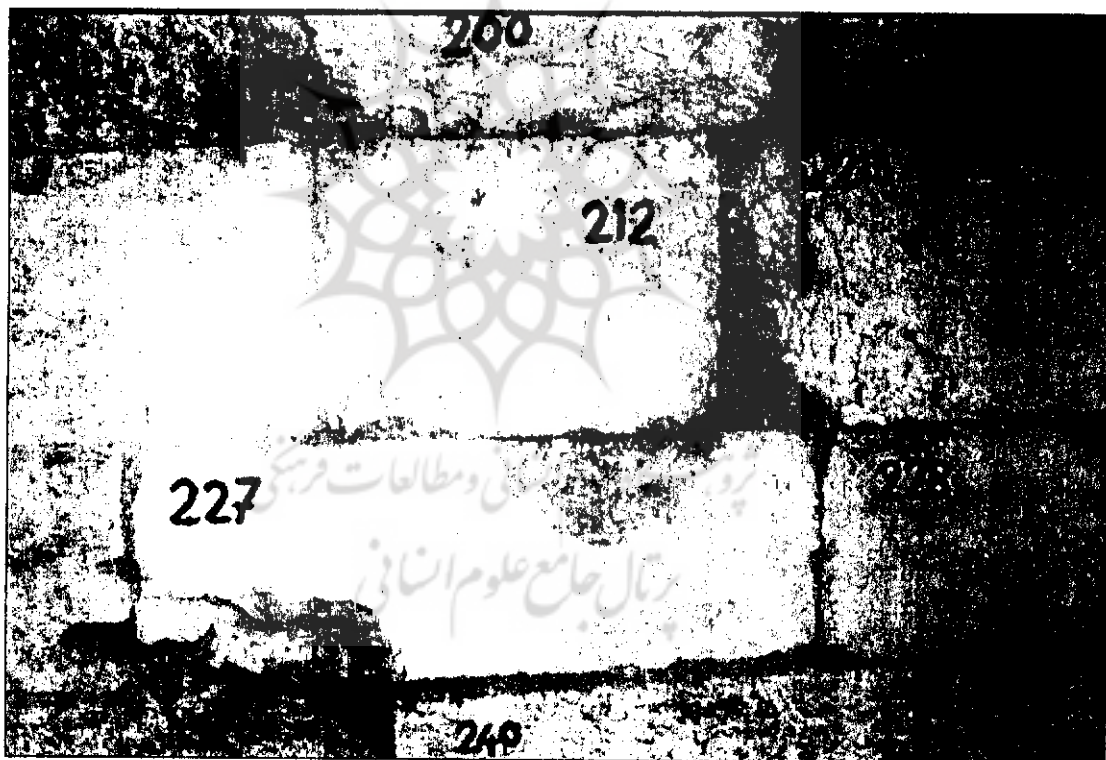
(تصویر-۸): دورنگی سنگ‌های نمای آسیب‌دیده و پیاده‌نشده در میان بخش بازسازی شده جبهه غربی معبد اناهیتا.

بیش از ده سانتی متر بوده و پرده‌های پشت در پشت سطح تراشیده سنگ که زمانی درون سنگ‌بوده اینک رخ پیدا کرده و جان‌نشین نمای آن شده است، از پیاده ساختن و نوسازی آن‌ها پرهیز شده است. با این همه دربندی سنگ‌هایی که بر روی یکدیگر و در کنار یکدیگر نشسته‌اند با آن چنان دقتی صورت گرفته است که با وجود فرسایشی چنین عمیق، هنوز خشکه‌چین به‌نظر می‌رسد. این در حالی است که پرده پشت سطح تراش نما به‌لحاظ انحراف زاویه‌ای که در ۵ تا ۱۰ سانتی متری لبه سنگ نما در جهت ضخامت سنگ برای درگیری ریشه سنگ نما در ملاط گچی پشت‌کاری بنا وجود دارد، انتظار نمی‌رفت که درزبندی سنگ‌های نما در عمق ۵ تا ۱۰ سانتی متری همانند همجواری سطح بنای سنگ‌ها مانع دیدن ملاط گچی باشد و بنایی سنگ‌ها را خشکه‌چین جلوه دهد. (تصویر-۸)

شرح این مختصر را برای یادآوری این نکته در خور توجه می‌دانم. تا هنگامی که میزان دقت در تراش سنگ و همچنین میزان دقت در کار گذاشتن سنگ بر روی سنگ و چفت کردن آن‌ها در کنار یکدیگر را تا حدی که در این بنا دیده میشود که مو در نای درز سنگ‌های آن نمی‌رود، فناوری مرمت را ارتقاء ندهیم و

نتوانیم این چنین دقتی را رعایت کنیم، اجازه نداریم دست به مرمت و نوسازی این چنین بنای ارزشمندی بزنیم و ارزش موجود در چهره فرسوده آن را لوٹ کنیم. از این رو شایسته است از کسانی که به هر دلیلی از پیاده‌کردن این چند سنگ پرهیز کرده‌اند، درود گفت. (تصویر - ۹)

در مرمت این بخش از بنا و نوسازی‌های پیرامون آن، با ضعف‌هایی که از قدیم در شالوده بنا پدید آمده بود و بر روی سنگ‌هایی که از قدیم بر جای خود بودند، دوباره بر روی هم سوار کردند و چون زیر سازی درستی برای آن‌ها فراهم نشده بود، نتوانستند آن‌ها را از جایی که پیاده شده بود، دوباره سوار کنند و کنار هم بگذارند، اضافه آمد، کم آمد، پس از سنگ‌های اصلی بریدند و هر طور که ممکن بود چیزی را ساختند که معلوم نیست چیست. چیزی که ساخته شده دیواری است سنگی با ملاط سیمانی به پهنای دو متر. ملاط سیمانی که به گچ نمی‌چسبد و دیوار ساخته شده بر توده عظیم سنگ و گچی که در کنارش برجامانده نمی‌چسبد، و بخش نو ساز اتصال به مانده‌های اصیل مهتابی ندارد و معلوم نیست که ابعاد این مانده‌ها تا چه اندازه‌ای بود لازم به یاد آوری است که در مرمت‌های سال ۱۲۵۰



(تصویر-۹): درزبندی سنگ‌های دوباره برپاشده در بخش نوساز جبهه غربی.

به هنگام تعمیرات حفاظتی بنا تنها در نمای دوران اسلامی به همراه خاکستر و لایه‌های باستانی تا عمق زیادی از سطح مهتابی در پشت پوسته سنگ‌های نما دیده شد. مرید و همواره بیننده را دچار شگفتی می‌کرد که چگونه این تشریف‌های وزین بر روی لبه‌ای که باریک‌تر از ابعاد دومتر درون ستر پایه ستون است، استوار بر جا مانده‌اند؟ به ویژه این که مالا و تاحیه اتکای ستون به لبه مهتابی به سمت پایین و شالوده با اندازه پهنای سنگ‌نما باریکتر و باریک‌تر ساخته شده و به این پوسته باریک سنگ‌های تراش بدون اتکای به جسم پشت‌تیار سنگ و گچی که خاکستر و لایه‌های سست جایگزین آن شده‌اند، به تعادل رسیده و فرو نیافتاده‌اند. با این ترتیب ایستادگی دیوار سنگ و سیمانی احیاء شده نیز جای شگفتی خواهد داشت.

این گونه تعمیرات و احیای مهتابی غربی، در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۵ برحسب ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر صورت پذیرفته است که اگر کارگاه با این ساخت و سازها در حال نمی‌شد شاید بنا را دچار خسارت‌هایی به مراتب بزرگتر نیز می‌نمود، به همین دلیل شدنی است، آن چه که تاکنون انجام شده است را به دلیل وضعیت خاص سال‌هایی که پشت سر گذاشته‌اند، پذیرفت، ولی از این به بعد حتماً می‌بایست در پی استقامت و نیروی انسانی و برنامه ریزی ویژه‌ای بود که پاسخ‌گویی آن همه دقت اجرایی در ترکیب هر سنگ نما و هر وجه از هر بنا تنها با فضای همجوار خود و همچنین هماهنگ با ترکیب عناصر این بنای حجیم ولی بی‌پیرایه باشد.

تا کنون مرمت این بنای تاریخی به روش سیمانی انجام شده است. از آن جا که در سال‌های اخیر ترمیم کلان گچ دستکوب در برنامه کار قرار گرفته و می‌توان با استفاده از ترکیبی که این بنا برپا شده؛ به مرمت بخش‌هایی از آن پرداخت. از چسبندگی ملاط گچ دستکوب در کار گذاشتن سنگ‌های نشاء بهره‌جست که ملاط بخش‌های قدیمی به سنگ‌های بنا چسبندگی دارند. و برای این که چهره سنگ‌های تازه کار گذاشته شده یا چهره سنگ‌های اصلی بنا قابل تشخیص باشد از روش‌های امروزی به‌کاربرد در مرمت بناهای تاریخی بهره‌جست تا سهم کاری در امروز انجام شده از کاراصیل بنا روشن باشد. با این حال به این مسئله پایداری در ایستایی بنا و یک پارچگی ساخت و ایستایی بنا مطرح است. شایسته است که از لحاظ یک پارچگی بنا دست بردن اجزای جدید و قدیم بنا به میزانی از چسبندگی ملاط نزدیک شد که اجزای قدیمی بنا به هم چسبندگی دارند.

کاوش در کنج درونی جنوب غربی بنا:

در کاوش‌های سال جاری (سال ۱۳۷۷) در کنج درونی جنوب غربی بنا نکته شایان توجهی در لایه‌های برش خاک به چشم می‌خورد. در این برش که نمای آن در جهت شمالی - جنوبی و رو به شرق در ۷۰ سانتی متری بر غربی کنج داخلی است، در لایه فوقانی آن خورده گچ و در زیر آن لایه‌ای از خورده سنگ و در زیر آن لایه‌ای از آمیخته‌ای خورده گچ و خورده سنگ و لایه‌های زیرین نیز به همین منوال است همگی لایه‌ها در انحناهای سهمی شکل از جنوب بالاتر با شیبی تند رو به شمال پایین تر دیده می‌شود؛ آن چنان که راستای حرکت لایه‌ها مکانی به مراتب بالاتر از سطح موجود فضای مهتابی را قراول رفته‌اند. و این نشان دهنده آن است که لایه‌های خورده گچ و خورده سنگی از ارتفاع بالاتری فروریخته‌اند، به این معنی که سطح مهتابی پیش از تشکیل لایه‌های یاد شده به مراتب بلند تر از وضع موجود بنا بوده است. در این صورت تشکیل این لایه‌ها بر اثر تخریب بنا و خرد کردن سنگ و ملاط گچ درون دیوار است که به تدریج از بالا به پایین فرو ریخته است.

البته دوستان ما نظریه‌های دیگری را هم پیشنهاد نموده‌اند و از جمله «احتمال دارد که تشکیل این لایه‌ها با استفاده ضایعات معدنی گچ و سنگ برای ایجاد سطحی شیب دار جهت انتقال سنگ‌های وزین نما به بالای مهتابی بوده است» در هر دو صورت شکل این لایه نشان از بالاتر بودن سطح مهتابی جنوبی از سطح گود فضای مجاور شمالی آن دارد.

کاوش، آسیب شناسی، طرح معماری و احیای تختگاه کوچک شرقی:

در میانه جبهه شرقی یک مهتابی نه چندان وسیع فراتر از راستای شرقی مهتابی پیرامونی بنا بر فراز صخره و در همجواری تپه بساباقورت هست که لبه شرقی آن با دو سنگ بسیار بزرگ مشخص و محدود گشته است. محدوده مهتابی کوچک شرقی در رابطه با کنج شمال شرقی و راستای شرقی مهتابی پیرامونی روشن نیست و تنها با وجود راستای دو سنگ یاد شده می‌توان مضمون طرح آن را به گمان دریافت. یک دستگاه پلکان در راستای شمالی - جنوبی نیز در بخش شمالی جبهه شرقی و مجاور مهتابی پیرامونی، از حوزه شمالی بنا به مهتابی کوچک شرقی دسترسی داشته است. (تصویر - ۱۰)

با وجود دو سنگ بزرگی که در لبه شرقی مهتابی کوچک

شرقی مستقیماً بر روی صخره جاسازی شده اند شاید به توان گفت که تناقضی در میان ساخت و بافت این بخش یا دیگر ساخت بر سازهای مهتابی پیرامونی باشد؛ چون در ساخت و بنایی سنگ های نمای مهتابی پیرامونی ابتدا سنگ های کوچک در سطوح پایین جا دارد و به تدریج در سطوح بالاتر اندازه سنگ ها افزایش می یابد تا در بالای پیشانی نما، به اندازه سنگ های حجیم و بزرگ زیر ستون های پیرامونی بنا پایان می پذیرد. اما در مهتابی کوچک شرقی سنگ های بزرگ بر روی صخره جاسازی شده اند. از این رو شاید بتوان یک فاصله زمانی مقدم و مؤخری هم برای مهتابی کوچک شرقی فرض کرد. به ویژه آن که مهتابی کوچک شرقی تنها زائده ای است که از راستای مهتابی سراسری پیرامونی که تابعی از سه وجه یک مربع است بیرون زده و پلکانی اختصاصی نیز دارد، که ترکیب سنگ ها و پهنای ۴/۱۰ متری پلکان شمالی با همان مشخصات پلکان دو طرفه جبهه جنوبی قابل مقایسه است.

بخش شمالی مهتابی سراسری پیرامونی شرقی به راستای غربی (شرقی - غربی) محدود شده است که به بقعه سید ابراهیم در گوشه شمال غربی دسترسی پیدا می کند و بخش جنوبی آن به نمای مهتابی کوچک شرقی می پیوندد؛ لبه غربی بنا در زیر آوار و تغییر اعمار و قرون پنهان مانده و با این که آغاز کاوش باستان شناسی از همین مکان بوده و در ادامه آن در سال ۱۳۴۹ نیز کند و کوهایی بر سطح فوقانی آن صورت گرفته است، لبه غربی آن تا قرن دیده نشده و همواره در امتداد راستای بخش جنوبی مهتابی شرقی پنهان شده است. شاید این پندار به این دلیل است که سنگ های نمای شرقی این بخش از بنا با کمی انحراف در راستای لبه شرقی بخش جنوبی مهتابی پیرامونی بر پا مانده است.

سطح مهتابی شرقی که با صخره طبیعی بستر بنا هم طراز است، نسبت به پای ستون های موجود بر فراز بخش شمالی جبهه غربی همانند سطح موجود مهتابی میانی در حدود سه تا چهار متر پایین تر است و با وجود سطح فوقانی دو سنگ بزرگ لبه شرقی مهتابی کوچک شرقی در طراز دو متر بالاتر از سطح صخره مهتابی شرقی است و همین طور نظر به این که ممکن است یک توده و حتی سه سنگ از روی دو سنگ بزرگ لبه شرقی نیز افتاده باشد، می توان طراز اصلی سطح مهتابی شرقی با مهتابی سراسری در جبهه غربی یکی دانست و در این صورت ساخت و سازهای مهتابی کوچک شرقی همچون مهتابی میانی در طول زمان به میزان مشابهی و تقریباً بین سه تا چهار متر کاسته

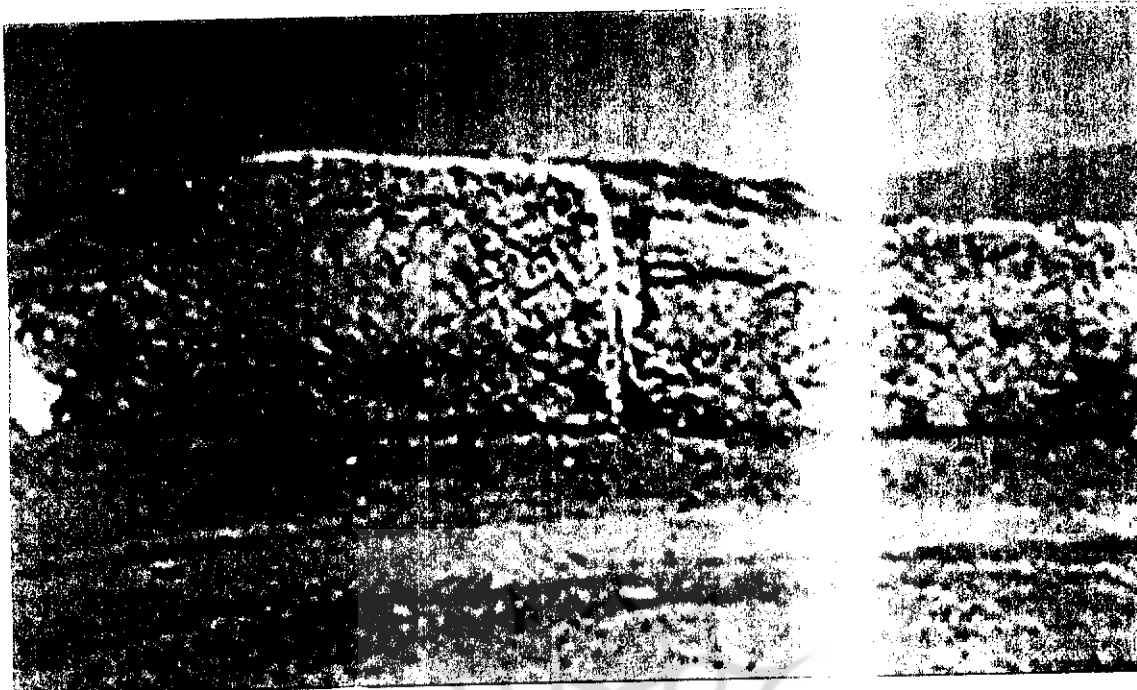
شده است. (تصویر - ۱۱)

بر پیرامون محدوده ای که مهتابی کوچک شرقی را نیز شامل شده است و همچنین در راستای لبه شرقی بخش شمالی مهتابی محیطی سراسری سنگ های نما و آب پر در ردیف هایی طولی و متعامد بر روی هم گذاشته شده است. با توجه به راستای انباشتگی سنگ های تراش که پیرامون محدوده وسیعی را در فضای نسبتاً مسطح و ربع محضراز با مهتابی کوچک شرقی را شامل شده است، احتمال دارد که شالوده سازی بنایی متأخر باشد که پس از ویرانی بنای مسجد برای زیر سازی ساختمانی وسیع تدارک دیده باشند. زمان جایه جایی این شالوده سازی احتمالی و کیفیت ساخت و ساز روی آن روشن نیست ولی با توجه به وزن هر سنگ که در حدود یک تن و بیشتر است و نیز با توجه به تعداد زیاد سنگ های تراش که بی نظم در کنار یک دیگر فرو انداخته شده، نمی توان این مجموعه را جز شالوده ریزی دیوارهایی از یک بنای بزرگ، ولی نه چندان با معماری هنر مندانه ای در پندار آورد. (تصویر - ۱۲)

در کنار دو سنگ بزرگ مهتابی کوچک شرقی نیز ادامه چنین شالوده سازی دیده شده است. با این تفاوت که در همجواری دو سنگ بزرگ لبه شرقی، سنگ های به کار گرفته شده در شالوده دارای نظم و انضباط بیشتری است و شاید هم مربوط به ساخت و ساز و بنایی دیگر باشد که محدوده عرضه آن روشن نیست.

کاوش، آسیب شناسی، طرح معماری و باز سازی پلکان شمالی:

فضای پلکان شرقی خالی از آسیب کف پله و ساخت و پرداخت زیر سازی پله ها است و تنها سازه دیواره شرقی پلکان را با وجود چند سنگ فرسوده می توان در نظر گرفت که در دو ردیف بر روی هم قرار گرفته و انفصالی در راستای پله هم پیوسته آنها نیز دیده می شود. با این حال در سنگ های کف پله این پلکان بر روی نمای شرقی مهتابی شرقی را می توان تشخیص داد. نکته شایان توجه این که از داغ فرسایشی همجواری سطح کف پله ای که از جسم آن نشانی نمانده است، سنگ های برجها مانده از نمای مهتابی شرقی، محل دقیق طراز کف پله و لبه هر کف پله محسوس و قابل اندازه گیری است. تم شیخ بیشتر این که سطوحی که در زیر پوشش سنگ کف پله با آسیب ندیده و سطوحی که بر بالای سنگ کف پله قرار داشت، آسیب دیده بود و دقیقاً جای پله را بر بدنه شرقی نمای مهتابی شرقی دیده می شد.



(تصویر ۹) - منظر عمومی تختگاه مهتابی شرقی، در آغاز اجرای طرح باز سازی. سال ۱۳۷۷.



(تصویر - ۱۰) - شرقی سنگ‌های بزرگ مانده بر روی بستر صخره‌ای مرتفع تختگاه کوچک مهتابی شرقی.



تصویر-۱۲: منظر قطعات سنگ‌های نما و آب‌پرکه احتمالاً برای شالوده‌سازی ساخت و ساز پس از دوره اصلی در راستای نمای مهتابی و پلکان شرقی منتقل شده است.

نما به دست نیامده است. از این رو پهنای نمای جبهه شمالی را حد اکثر می‌توان همان ۱۸/۵ متر پنداشت. و همین پهنای برای نمای شمالی در گوشه شمال غربی بنا پیشنهاد و پذیرفته شده است تا زمانی که خلاف آن ثابت شود.

تا کنون در پیرامون بخش شمالی مهتابی شرقی نشانه‌ای از اجزای ستون دیده نشده است. به همین لحاظ احتمال دارد که از ابتدا ستونی بر فراز این بخش از بنا استوار نبوده است.

نشانه‌های وجود پلکان شرقی را تنها چند سنگ نما با فاصله ۴/۱۰ متر از نمای مهتابی شرقی سراسری تشکیل می‌دهد که ضمن خوانا نبودن فضای شمال شرقی معبد برای بازدید کنندگان و همچنین احتمال از میان رفتن سنگ‌ها بر اثر فرسایش و جابه‌جایی آن‌ها در حوادث پیش بینی نشده، تدوین برنامه بازنشاسی گوشه شمال شرقی و نگهداری و مرمت سنگ‌های نما و احیای طرح اولیه مهتابی کوچک شرقی و پلکان شمالی را برانگیخت و پس از مطالعات اولیه در سال ۱۳۷۷ اجرای آن در

از سطح کف پله به بالا بر اثر ریزش آب باران و پرتاب بازگشت ذرات آب از سطح کف پله به بدنه نمای مهتابی آثار فرسایش و خوردگی سنگ بر جا مانده است در حالی که سطح سنگ نمای مهتابی در پناه همجواری با سنگ کف پله دچار فرسایش نشده است و از مرز میان بخش فرسوده و بخش سالم رد کف پله را می‌توان به دقت اندازه گرفت.

راستای یکی از شالوده‌سازی‌های یاد شده در بالا در راستای بدنه غربی پلکان شمالی یا راستای سنگ‌های از میان رفته نمای مهتابی در بخش‌های مرتفع نزدیک به سطح مهتابی کوچک شرقی است و این نشان می‌دهد که طرح شالوده‌سازی بنای متأخر تابعیت هندسه ساخت و سازهای اصلی معبد را پذیرفته باشد. (تصویر - ۱۳)

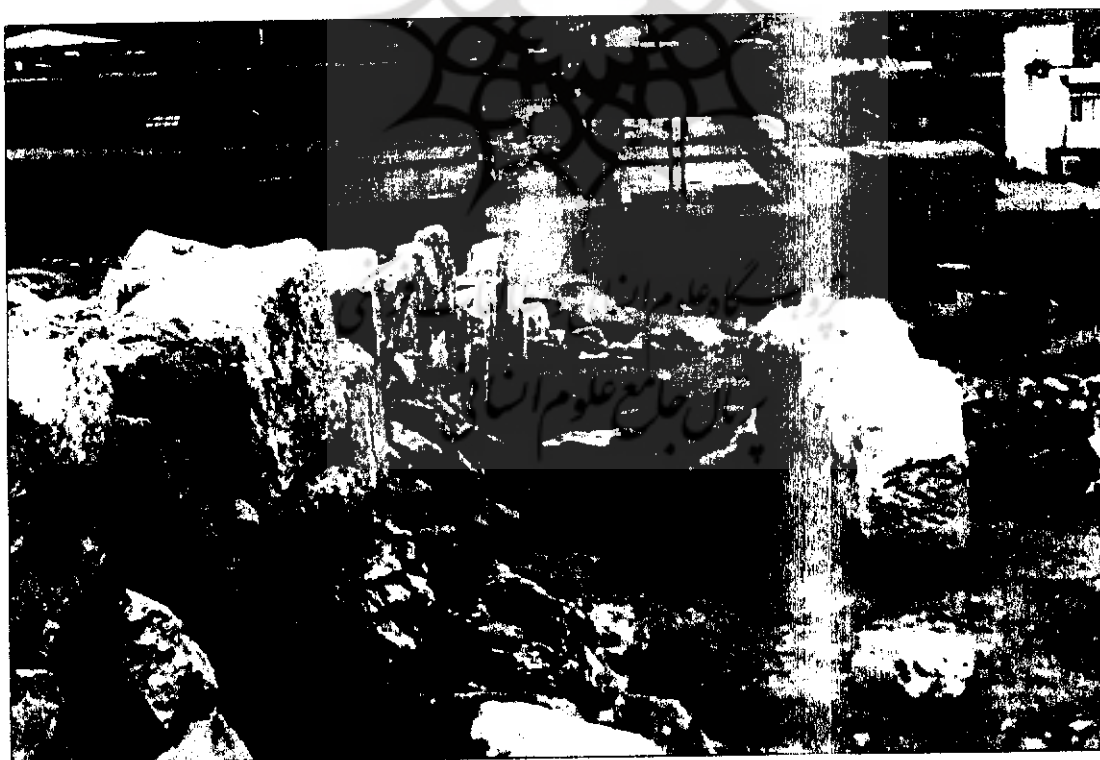
در پیگردی‌های پیر شمالی گوشه شمال شرقی بنا درازای ردیف سنگ‌های نما، کمتر از پهنای ۱۸/۵ متری مهتابی پیرامونی بنا است و در ادامه راستای شمالی نشانی از سنگ‌های تراشیده

برنامه کار گروه قرار گرفت.



با کاوش در راستای نمای سنگ‌های موجود پلکان شمالی و همچنین در راستای دو سنگ بزرگ لبه پله‌های کوچک شرقی، ته رنگ پی‌کنی و هموار و طراز سازی چینه سنگ‌های نما بر لبه این دو راستا بر روی صخره طبیعی بسط داده نمایان گردید که با گچ ریزی بر روی لبه‌های صخره طبیعی، بررسی به طرح عمومی ترکیب پلکان با مهتابی کوچک شرقی صورت آمد. (تصویر - ۱۴) بافت سنگ‌های نمای مهتابی میانه بدون آندود) که نمایی آشنا از ساخت و سازهای دوره ای اصیل از معماری این محوطه است. برای نمای بیرونی مهتابی کوچک شرقی انتخاب شد تا در یک پرده عقب‌تر (به اندازه ضخامت دیواره سطح سنگ‌های ریشه دار نما برابر یک متر) از راستای نمای میانه به کار گذاشته شود. با این فرض که در صورت اثبات تعلق ساختمانی از سنگ‌های نما در جای خود، امکان نصب آن باشد. (تصویر - ۱۵)

با در دست داشتن گچ دستکوب و سنگ‌های گردآوری شده از کاوش سال‌های اخیر، خوانا سازی و مرطوبی فضای مهتابی کوچک شرقی و همچنین پلکان شمالی نشان پذیر گردید. عملیات



(تصویر - ۱۳): فضای خالی پلکان شمالی، نگاه شرقی، پیش از اجرای طرح باز سازی. دید روبه شمال. (در بالای تصویر گذاری در راستای پلکان شمالی به چشم می‌خورد که به بنای مسجد جامع در بالای آن می‌گردد.)



(تصویر - ۱۵): نمای جنوبی مهتابی میانی، نمای منتخب بای جلوه سنگ نمای طرح های بازسازی پلکان شمالی و تخته گاه کوچک مهتابی شرقی.

نکته شایان توجه این که طول پلکان شمالی و نسبت آن به خط شیب پله ها که نقش آن بر نمای مهتابی سراسری دیده شده است ارتفاعی متناسب با سطح مهتابی کوچک شرقی در هم طرازی با سطح مهتابی غربی را تأمین میکند. و می توان نسبت به همزمانی بهره برداری از هر دو مهتابی اطمینان بیشتری یافت.

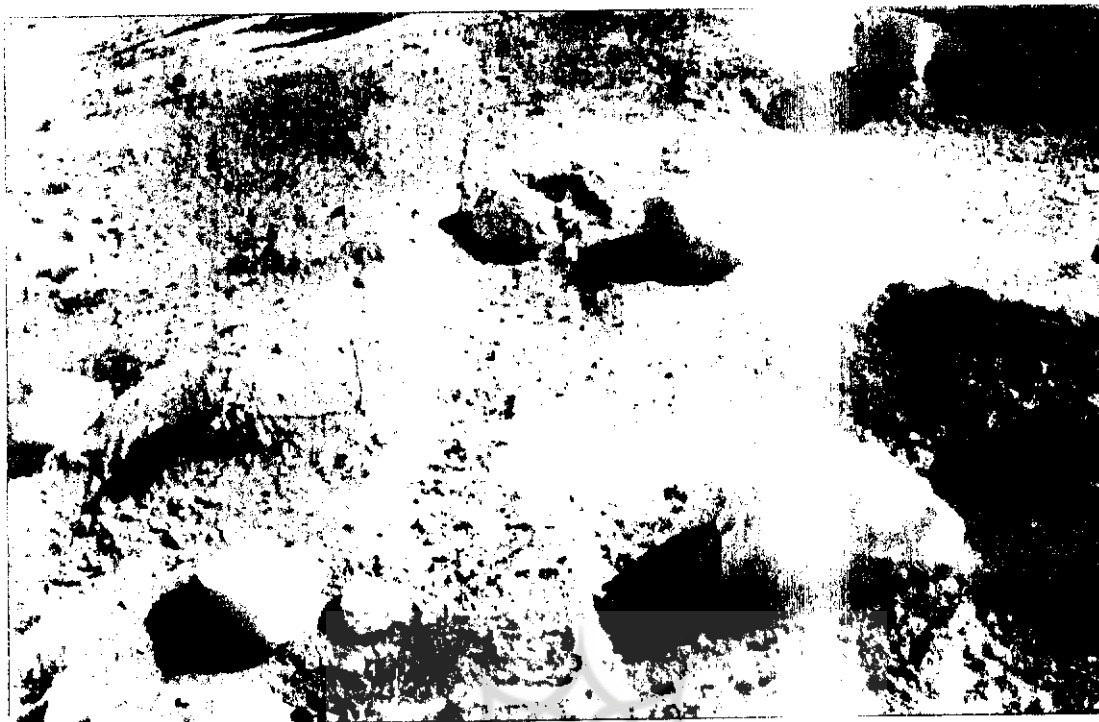
وجود سنگ های تراش در راستای شالوده سازی بنای متأخر در سطوح فوقانی فضای پلکان موجب دست و پاگیری ساخت پلکان بود که موجب گردید که بر پاکردن نیمی از فضای پلکان تا هنگام تصمیم گیری برای بررسی سنگ های موجود در راستای شالوده سازی متأخر، به تعویق افتد که همچنان نیمه کاره مانده است.

سنگ های نمای پلکان شمالی از سه جبهه شرقی و غربی و فوقانی مورد تهاجم انواع آسیب های جوی بوده اند، از سه جهت در ساعات روز بر آن ها آفتاب می تابید و در زمستان دچار یخ زدگی و هوازگی بوده و فرسایش شدیدی آن ها را تهدید می کند. با احیای بخش های از فضای پلکان از میزان آسیب در همجواری

اجرای این طرح بدون جابه جا کردن حتی یکی از سنگ های نما و یا آوردن آسیبی به چهره سنگ های موجود بنا و استفاده از مصالح همساز با چهره عمومی بنا صورت گرفت و در صورت تشخیص هر گونه سهوی، بی آن که آسیبی بر ارکان بنا وارد آید قابل اصلاح خواهد بود. (تصویر - ۱۶) و (تصویر - ۱۷)

در هنگام پاک سازی سطح صخره در فضای پلکان شمالی نشانه های کف اندود گچی که حاکی از وجود سطح کف پاگردی نه چندان وسیع در پای نمای مهتابی سراسری شرقی بود. این کف گچی در فضای مسطح صخره به پهنای بیش از یک متر در میان دو تغییر شیب دامنه های صخره بر جا مانده است.

فضای پلکان شمالی با در دست داشتن پاگرد گچی به عنوان آغازی برای پلکان و همچنین در دست داشتن خط شیب پلکان بر اساس نقشی که از پله ها بر نمای سنگ های مهتابی سراسری بر جا مانده بود و راستای سنگ های نمای شرقی پلکان، احیای آن را امکان پذیر نمود و اجرای آن در برنامه کار قرار گرفت. (تصویر - ۱۸) و (تصویر - ۱۹)



(تصویر-۱۶): ته رنگ جاسازی بتن در سنگ نمای وجوه از میان رفته پلکان شمالی و تختگاه کوچک مهتابی شرقی بر صخره طبیعی. گچ ریزی شالوده طرح بازسازی گوشه شمال شرقی تختگاه.



(تصویر-۱۷): نمای عمومی ته رنگ جاسازی بتن در سنگ های نمای وجوه از میان رفته پلکان شمالی و تختگاه کوچک مهتابی شرقی بر صخره طبیعی.



(تصویر-۱۸): نمای زیرسازی پلکان از میان رفته، بریدنه سنگ‌های نمای مهنایی شرقی.



(تصویر-۱۹): نمای شرقی پلکان و مهنایی شرقی و بستر صخره طبیعی زیرسازی پلکان از میان رفته، بریدنه سنگ‌های نمای دو دیواره پلکان.

با بخش‌های ساخته شده، از یک طرف کاهش یافت و برای پیشگیری از آسیب بیشتر در سطوح بتانی، پوششی آجری با ملاط کاهگل پیشنهاد و اجرا گردیده است. هرچند که نمای این مجموعه مورد پسند برخی نیست اما لحاظ محسنات حفاظتی پوشش آجری و ایجاد سایه بان بر روی سنگ‌های نما تا هنگام چاره‌جویی‌های حفاظتی مناسب‌تر، نگهداری از وجود آن پیشنهاد می‌گردد. (تصویر - ۲۰) و (تصویر - ۲۱. الف و ب.)

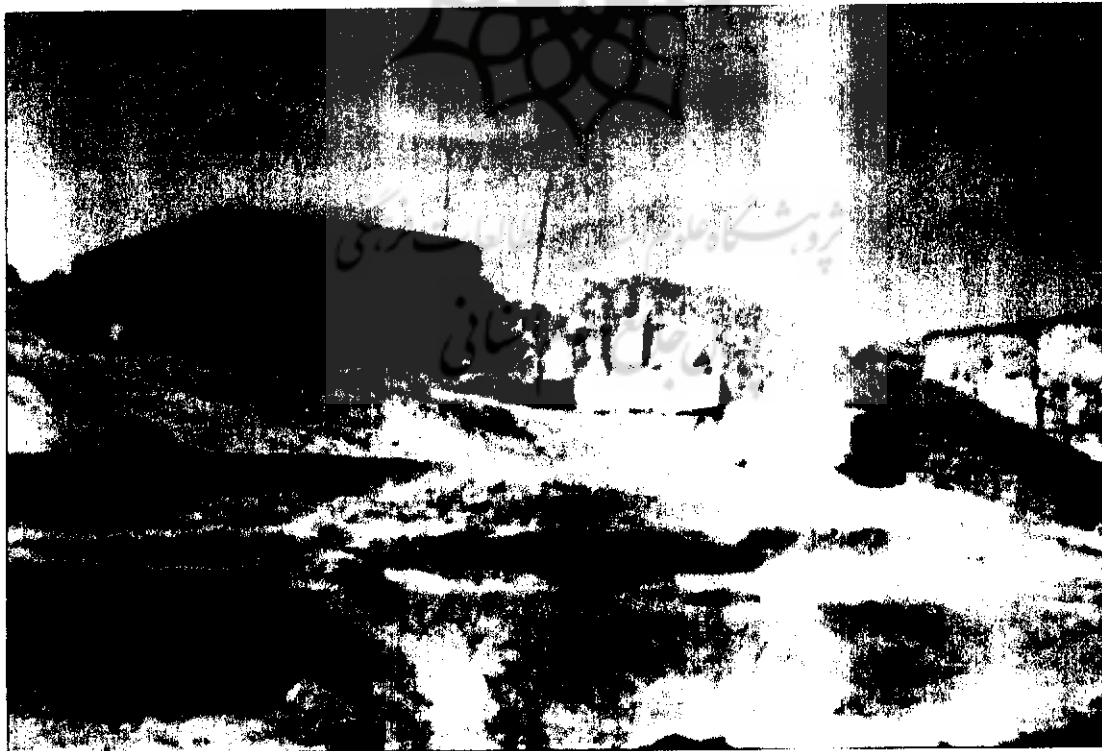
طرح موزه کنگاور و بازسازی بخش شمالی جبهه شرقی:

از آن جا که تاکنون بخش شمالی جبهه شرقی کمتر مورد توجه قرار داشته است و پس از بازسازی بخش از فضای پلکان شمالی و جاری شدن رفت و آمد در آن جذابیت‌هایی مکانی آن ملموس و قابل تجربه شده است، همچنین به دلیل قابلیت‌های خواناسازی

(تصویر - ۲۱. الف): سیمای فرسوده سنگ‌های نمای مهنابی شرقی که به طور

همیشگی از سه جهت، در معرض بادهای آفتاب گرم تابستان و یخبندان شدید

کنگاور را متحمل بوده‌اند.



(تصویر - ۲۰): نمای عمومی پلکان شمالی و تختگاه کوچک مهنابی شرقی در نخستین مرحله‌های اجرای طرح بازسازی در این بخش از بنا.

فضای معبد در همجواری با عرصه عمومی شهری باقی که در بخش شرقی تپه بابا قورت توسط شهرداری کنگاور احیاء شده است و ویژگی مکانی آن به لحاظ جلوه‌های عرصه‌های بنا در شهر کنگاور، طرح احیای این بخش از بنا به عنوان طرحی نمونه با کارآیی فرهنگی و احتمالاً موزه شهر کنگاور پیشنهاد می‌گردد تا پس از تصویب نسبت به بررسی‌های میدانی طراحی جزئیات ساختمانی آن پرداخت. (تصویر - ۲۲. الف. و ب.)

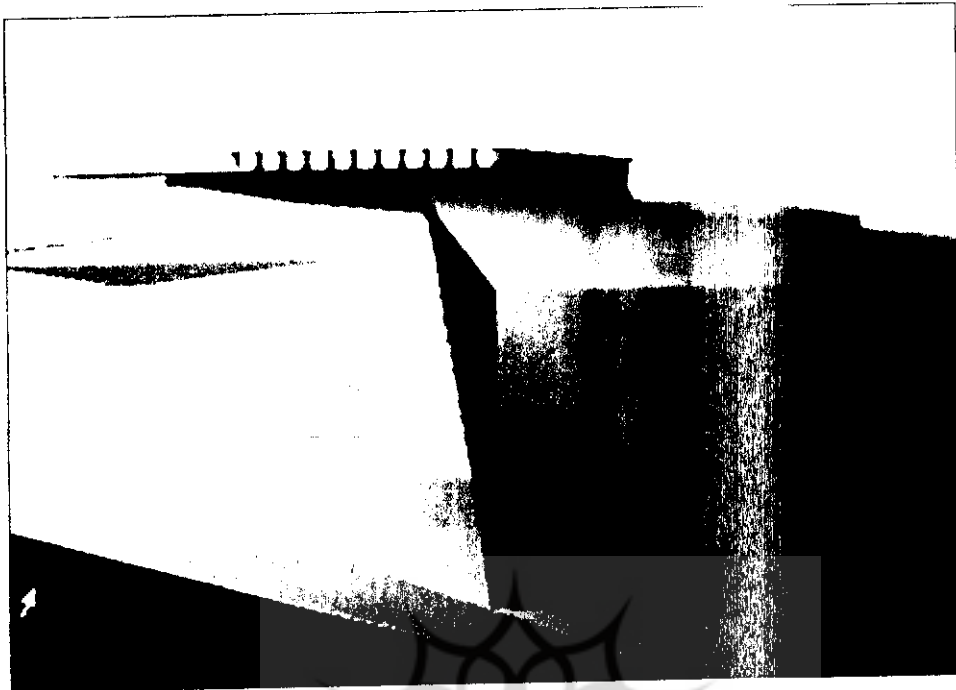
در این طرح احیای سطح مهتابی شرقی با ارتفاع قریب به پانزده متر از سطح مانده‌های سنگ‌های موجود در نمای شمالی بنا و به ارتفاع قریبه آن در سطح طراز مهتابی غربی در نظر گرفته شده است، طول بنا در جهت شمالی جنوبی ۷۰ متر و پهنای آن به اندازه پهنای مهتابی شرقی است که می‌بایست پس از کاوش و آشکار شدن بدنه غربی این بخش از بنا تعیین گردد و در صورتی که پهنای بخش شمالی مهتابی شرقی با بخش جنوبی آن یکسان



(تصویر - ۲۱. ب.): آجر فرش بالای سنگ‌های نمای مهتابی شرقی از شدت آسیب تابش آفتاب و یخبندان زمستان کنگاور می‌کاهد.



(تصویر - ۲۲. الف.): تصویری از طرح پیشنهادی جاسازی موزه شهر کنگاور در هنگام بازسازی بخش شمالی مهتابی شرقی.



(تصویر- ۲۲. ب): تصویری از طرح پیشنهادی جاسازی موزه شهرکنگاور.

باشد که پهنایی برابر ۱۸/۵ دارد، پهنای پیشنهادی برای ساخت و ساز با در نظر گرفتن یک متر عقب نشینی و ضخامت دیوار سنگی دو سمت فضای خالی جاسازی شده در این مهتابی برابر ۱۵ متر خواهد بود که در یک، دو تا سه طبقه طبق حساب شیب صخره طبیعی بستر بنا تنظیم گردد. دسترسی به تنها ورودی بخش قابل احیاء از طریق بالا رفتن از پلکان شمالی و سرب و رودی آن از فراز صخره و از جنوب بنا مشرف به مهتابی کوچک شرقی پیشنهاد شده است.

نمای عمومی بنا از سمت شمال، جنوب و شرق مجموعه همچون فضایی تو پر، بدون منفذ پیش روی شده و نورگیری و تهویه بنا از بالا و درون پوشش محوطه مهتابی به گونه ای قابل پیشنهاد است که رفت و آمد بازدید کنندگان در فضای مهتابی کمتر محدود شود و بتوان از منظر گاه در مجموعی نیز بهره برند. جلوه های نمای بیرونی بنا همساز با تزیینات سنگ های نما در مهتابی میانی است و بر فراز فضای سبز شده بر پاشیدن ستون مردود به نظر می رسد به ویژه این که در بخش شمالی جبهه شرقی هیچ گونه نشانه ای از اجزای سنگی یافت نشده است.